

روستای صخره ای میمند در استان کرمان

نوشته :

دکتر غلامعلی همایون

هنگامی که انسانها سکوت میکنند
سنگ ها کلام را آغاز می نمایند .

از یک ضرب المثل آلمانی

فهرست مندرجات

صفحه

عنوان

۱- کلیات

الف - نظری به روستا و عامل روند تکاملی آن یعنی زن

ب - شناسائی روستای میمند

ج - معیشت در میمند

د - میمند در طول استودانه تاریخ

۲- معماری

الف - کاراکتر و فلسفه معماری صخره ای در میمند

ب - نظر به معماری صخره ای نواحی مختلف جهان

ج - نظر بسیار مختصر به معماری صخره ای ایران

د - علل انتخاب محل و تمرکز در میمند

ه - میمند از ارگانیک ترین مجموعه های مسکن

۳- لزوم شناسائی میمند در وسیع بخاطر عمران و آبادی آن منطقه

۱ - کلیات

الف- نظری به روند تکاملی روستا و عامل اساسی به وجود آورنده آن یعنی زن

اولین روستا در دوره مزولیتیک mesolitik یعنی احتمالا ۱۵۰۰۰ سال پیش به وجود آمده اند. فرهنگ اقتصاد غذایی این روستاها از هندوستان تا کناره های مدیترانه بستر گسترده بودند. بر اساس استفاده از ماهی و گوش ماهی و شاید جلبکهای دریایی و به ندرت کشت سیب زمینی قرار داشت.

بعد از چندی نخستین جرقه های کشاورزی درخشیدن گرفت و به موازات آن نخستین حیوانات مانند مرغ، اردک و غاز و خوک و سگ اهلی گردیده و گیاهان میوه دار نیز چون درخت خرما، زیتون، انجیر، سیب و تاک بوسیله قلمه زدن و هرز تکثیر گردیدند و وفور میوه و مواد غذایی باعث تحریک بیشتر مغز و عضله های جنسی بشر روستاهای مزولیتیک گردید و وی را به فعالیت های بیشتری واداشته این فعالیت ها در تمام شئون فرهنگ اقتصادی آن دوره به چشم می خورد. نضج دامداری سبب بوجود آمدن گله های حیوانات از قبیل گاو، گوسفند و بالاخره اسب و الاغ شده و نگهداری و بهره برداری از آنها معمول گردیده در کشاورزی هم چون دانه های گندم، جو، باقلا، نخود، لوبیا منظم نگه داری و پرورش یافته اند. این فعالیت ها همگی به انقلاب کشاورزی منجر و در این انقلاب زن نقش اصلی را به عهده داشته زیرا اوست که انواع حیوانات جوان را پرورش می دهد و اوست که غالب اوقات حیوانات کوچک را که مادرشان را از دست داده اند شیر می دهد تخم گیاهان را می کارد نهال گیاهان را غرس می کند و بذر می پاشد رام کردن

حیوانات را فرهنگی می‌بایست و این فرهنگ ابتدا در طبیعت زن تبلور یافته زیرا وی توانست با صمیمیت و محبت و عشق ورزشی و غریزی خود آنچه لازمه اخلاق و آموزش و پرورش بوده ناخودآگاه به اطرافیان خودخواه بشر حیوانات و گیاهان عرضه دارد.

زن همچنین راه بکاربردن بیل و چوب دستی را برای حفر زمین تشخیص داده و از باغچه به وسیله دادن کود و هرس گیاهان هرزه مراقبت نموده و بالاخره این زن بوده که نخستین سبدها و ظرف‌ها را ساخت و نخستین چرخ کوزه‌گری را اختراع نمود.

بدینوسیله زن در مرکز ثقل اقتصاد جدید قرار گرفته و روستاها نیز ساخته و پرداخته فکردست اوست زیرا روستا مجموعه‌ای است که جمیع فعالیت‌های فوق در آن تمرکز می‌یابد. زندگی ثابت در دهکده امتیازات فراوانی داشت و به تدریج اجتماعات کوچ نشین به دهکده می‌گرائیدند وجود زن در هر قسمت از روستا احساس می‌گردید در تولید آرامش در خانه در پرورش اطفال و مراقبت از آنها در کوره تنور، آغل، انبار و در تمام فضاهای داخلی خانه از ایوان تا اندرون و همچنین فضاهای متعدد روستا زن حاکم بود روستا در میان باغچه‌های سبز و مزارع اش شکل جدیدی را از اقامت گاه مشترک انسان و حیوان بوده. زیرا بشر قبل از تشکیل روستا و هنگام تشکیل آن بسیار اجتماعی تر بوده و به همه پدیده‌های طبیعت عشق می‌ورزیده. باید در نظر داشت که قبل از شهر دهکده و روستا وجود داشته و قبل از روستا چادر و غار توده‌های سنگ و فضای خالی درختان و قبل از همه این‌ها تمایلی به زندگی اجتماعی که در آن بشر به طور وضوح با سایر حیوانات شریک بوده.

بنابراین روستا اجتماع اولیه ای از خانواده ها حیوانات ،پرندگان ، خانه ها ، انبارها و طویله هاست که در آن کار روزانه بر اساس دو موضوع انجام می گرفت تغذیه و تولید نسل . اهمیت امور جنسی در روستاهای اولیه حتی در ایجاد فضاهای ساختمانی آن ها نیز موثر بوده است .

نظری به روستاهای کنونی این مطلب را اشکار می دارد که در زندگی روستاهای دوره مزولتیک تا کنون تغییر چندنی حاصل نگردیده است . به تعداد حیواناتی که بیشتر در روستاهای مزولتیک رام نموده و همچنین به بذر و دانه های حبوبات وی چندان مهمی افزون نگردیده و آنچه که در جهت خانه سازی و فضای داخلی آن نیز تغییر نموده چندان ناچیز است که به گفتن نمی آید .

اگر تغییراتی در جهت مو توریزه کردن و اصلاح فرهنگ روستائیان انجام شده نباشد و به حساب روستا گذارده شود زیرا این مطلقا فرهنگ شهری است که بر روستا وارد آمده است . در حقیقت فرم فیزیک روستا از دوره مزولتیک یعنی از زمان بدو به وجود آمدنش تا بحال چندان تغییری ننموده و این فرهنگ زنانه در عین بکارتش به ما منتقل گردیده است

ب- شناسائی روستای میمند

فوقاء روند تکامل روستا بطور اعم پرداخته شد اینک باید بدین نکته توجه را مبذول داشت که روستاها نیز برای خود خصیصه هائی دارند که توسعه و آبادیشان بدون شناسائی دقیق و علمی میسر نیست .

روستای میمند ولی از استثنائات است که در آن فقط شناخت مطالب کلی هر روستا و خصیصه های معمولی هر دهکده کافی نبوده بلکه بمناسبت موقعیت بی نظیر معماریش مسائلی کاملاً تخصصی مطرح می گردد که از حیثه قدرت یک روستا بدور است . مطلب اینجاست که در این مورد تا کنون هیچ روستاشناسی نیز قدم به این روستا نگذاشته است بنابراین شناسائی میمند میبایست از هر جهت از صفر آغاز شود و در این ناشناختگی و گمنامی علاوه بر مهجوریت میمند به شهر ، بخش و جاده های اطراف عدم توجه دستگاههای مسئول نسبت به روستا ها و آثار با ارزش تاریخی مملکت نقش بزرگی را ایفا می کند .

این غیر ممکن نیست که بوسیله کلام تصویر و یا اندازه گیری ها تصویری دقیق از تاثیر عظیمی که مجموعه مسکن میمند روی انسان ناظر باقی می گذارد در اذهان ایجاد نمائیم . این تاثیر بزرگ کمتر از جهت احساس است که در فضاهای داخلی دست می دهد زیرا در اینجا فضا کاملاً کنترل و محدود شده بلکه این مجموعه بیشتر از نظر دید کلی جالب و موثر است . معماری - حجاری در میمند تنها زیبائیش در سادگی سخت اعضای آن از نظر جزئیات نیست بلکه این تمامی مجموعه است که نیروی اسرار آمیز به خصوص غروب و صبحدم هنگامش قدرت هنری انسان های یاده را بازگو می دارد غروب میمند از زیبا ترین غروب هاست که در آن دست بشر در به وجود آوردنش تاثیر زیادتری داشته است در این هنگام اگر از آن برآمدگی معروف که به آن بدنه سوسمار نام می دهیم اگر به روستا نظری بیافکنیم به نظر می رسد که همه فضاها در مجموعه کلی ذوب شده یک

جهان ماژی و غیر حقیقی به وجود آمده است ولی افسوس که چنان جهان سحرانگیزی
بکلی ناشناخته باقی مانده است .

تا انجائیکه من اطلاع دارم در سال ۱۸۰۰ میلادی یک سیاح انگلیسی بنام پوتینگر
هنگام گذر از کرمان به فارس میمند را بازدید نموده و چند سطری از سفرنامه خود را وقف
خانه هائی می نماید که در داخل کوه کنده شده اند .

در حدود سال ۱۳۲۸ شمسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رساله لیسانس درباره
میمند بوسیله حسن میمندی تنظیم گردیده که با وجود کنکاش فراوان موفق به ملاحظه
ان نگردیدم .

قبل از سال ۱۳۴۴ مهندس اصفهانی و در همین سال ابتدا علی اکبر سرفراز و سپس
دکتر عزت الله نگهبان هریک نیم روزی را صرف بازدید روستای میمند نموده اند در این
میان علی اکبر سرفراز نتیجه مطالعاتش را در یک مقاله دو صفحه ای با دو عکس تحت
عنوان میمند شهر ساسانی در شماره اول مجله باستانشناسی و هنر ایران سال ۱۳۷۴
منتشر نموده است .

در سال ۱۳۴۵ ایرج افشار و دکتر منوچهر ستوده طی مسافرتی به جنوب ایران از
میمند بازدید نمودند ایرج افشار مشاهدات خود را طی مقاله ای تحت عنوان گشتی در
خاک یزد در مجله یغمای اذر ۱۳۴۶ بچاپ رسانید و در آن درباره میمند نیز سخن گفته
است این مقاله در جلد کتاب دوم ایشان تحت عنوان سواد و بیاض (مهر ۱۳۴۹) تجدید
چاپ گردیده است .

دکتر باستانی پاریزی در پاورقی صفحه ۲۸۸ کتاب پیغمبر دزدان و همچنین کتاب تاریخ کرمان چنین آورده است " میمند از دهات معروف و قدیمی شهر بابک است تمام اطاقهای این ده در دامنه کوهی کنده شده و خانه ها در دل سنگ است و هر چه که در دل کوه می رود سه یا چهار اطاق دارد و مجموعاً قریب سیصد کوچه در دل سنگ فرو برده اند و به همین سبب خانه ها دودکش و بخاری ندارند و بدون منفذ است و از جهت تاریخی واقعاً از آثار اولیه تمدن بشری محسوب می شود . در واقع آسمان خراش موربی است که هزاران سال است که در دل سنگ کنده شده است . اطاقها بخاری ندارد راه عبور محدود است و دواب وانسان تا حدودی زندگی مشترکی دارند . این آبادی البته غیر از میمند معروف فارس است از نمونه میمند در حدود بامیان بلخ می توان یافت هم از نمونه این شهرها باید شمرد شهر پیتر را که در دل کوه کنده شده بوده است " (ص ۲۸۸ پیغمبر دزدان) .

" وضع آبادی میمند (نزدیک شهر بابک) و اطاقهای آن که تماماً در سینه کوه و در دل سنگ کنده شده و طبقه طبقه روی هم قرار دارد حکایت از این می کند که این قریه قرن‌ها قبل از ساسانیان و شاید قبل از تاریخ بوجود آمده باشد " (ص ۲۱ تاریخ کرمان)

در سال ۱۹۷۱ خانم میلی باو کتابی تحت عنوان " ایران همانطوریکه واقعاً وجود دارد به زبان المانی تحریر کرده اند که صفحه ۲۰۳ آن اطلاعاتی نیمه صحیح درباره وضعیت میمند در اختیار خواننده قرار می دهد . منبع مورد استفاده خانم میلی باو روزنامه کیهان انترنشنال بوده است .

در نوروز ۱۳۵۰ طی یک مسافرت نیمه تحقیقاتی ۶۰۰۰ کیلومتری در معیت ۳۷ نفر از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا یک بررسی نیم روزه از میمند نمودم .
این اولین بار بود که روستای میمند مورد بازدید یک اکیپ دانشجویی قرار میگرفت و این برای مردم این دهستان بسیار هیجان انگیز بود . همین بازدید نطفه طرح تحقیقاتی میمند را ریخت .

در گزارشی که پس از این مسافرت تسلیم مقامات دانشگاهی نمودم ارزش و شایستگی این دهکده را برای انجام یک مطالعه وسیع اثبات نموده و طرحی را برای تحقیق درباره آن پیشنهاد کردم خوشبختانه طرح با کمک دکتر جواد میمندی نژاد (سرپرست وقت دانشجویی دانشگاه) و حسن نظر دکتر شمس الدین مفیدی معاون پژوهشی دانشکاه مورد تصویب قرار گرفته و به این گونه مطالعات آغاز گردید .

اولین بررسی ما در دو فاز انجام شد . فاز اول شامل اقامت ده روزه در میمند و مطالعه و جمع اوری مدارک و مواد اولیه خام از ۲ تا ۱۲ اذرماه ۱۳۵۰ بوده است .
فاز دوم شامل پروراندن مواد اولیه و مدارک بصورت علمی ان است که فقط چهار ماه و نیم وقت رف ان نموده و حداکثر سرعت لازم را در انجام یک طرح تحقیقاتی بمنصه ظهور رسانیده است .

نتایج اولین بررسی ما که بیشتر شناخت فیزیکی روستای میمند و ارتباطات هنری و معماری ان می باشد در یک نمایشگاه و بروشور حاضر منعکس گردیده و در این جا سعی

شده به وضع اقتصادی میمند نیز اشاره ای گردد و لی این فقط یک بررسی اولیه است و برای شناخت روستای میمند هنوز مراحل اصلی و مهم تری باقی است.

در این جا باید خاطر نشان نمایم که تا کنون تحقیق درباره هنر و معماری این اب و خاک اغلب جنبه یکطرفه داشته است یعنی فقط آثار باقیمانده هیئت های حاکمه بررسی می شده و کمتر از زندگی مردم عادی و آثار هنری آنان صحبت به میان آمده است برای این مطلب دو دلیل مهم میتوان ذکر کرد ابتدا این که متخصصان اروپائی که اغلب آثار تاریخی ما به وسیله ان ها کشف و تحقیق شده است بیشتر توجهشان به آثار باقیمانده هیئت های حاکمه وقت بوده و کمتر به زندگی و هنر مردم پرداخته اند در ایپهن بین محققین ایرانی ما که در این رشته ها تعدادشان از انگلستان یک دست تجاوز نمی کند نیز توجهی به هنر و معماری مردم نموده و دنباله کار غریبان را گرفته اند .

و اما دلیل دوم از انجائیکه آثار هنری و بخصوص معماری مردم عادی از مصالحی کم دوام بوده یعنی اغلب مسکن را از خشت و گل ساخته اند پایداری و استقامتش کمتر بوده و در اثر مرور زمان این آثار محو و نابود گردیده اند بدین مناسبت کمتر اثری در دسترس باقی مانده است تا مورد توجه محققین قرار گیرد .

تحقیق درباره روستای باستانی میمند اولین پژوهش های علمی دقیق درباره هنر و معماری مردم عادی این اب و خاک به شمار می آید .

ج- معیشت در میمند

میمند در ۳۶ کیلومتری و شمال شرقی شهربابک در استان کرمان واقع است
شهربابک سرجاده نزدیک تر تهران - بندرعباس قرار دارد . از سمت راست جاده یزد -
کرمان و در حدود ۱۵۲ کیلومتری ان جاده منشعب می گردد که پس از طی ۱۱۴ کیلومتر
به شهربابک می رسد .

در شمال شهربابک رشته جبالی است که در دنباله کوههای مرکزی ایران و ادامه
شیرکوه یزد است و به کوههای سرچشمه کرمان منتهی می گردد این کوهستان که در
حدود ۱۲۰ کیلومتر طول و به تفاوت بین ۳۰ تا ۴۰ کیلومتر عرض دارد دارای چشمه
سارها و نهرهای کوچکی است که اغلب از مغرب به مشرق در طول دهستان های متعدد
مانند دهج ، جوزم ، مدوار ، ابدر ، راویز ، میمند و پاقلعه جاری است . در جنوب این
کوهستان دهستانهای هرات ، مرودست ، خبر ، رباط ، و ده اشتران قرار دارد . بخش
شهربابک در حدود ۷۰۰۰۰ جمعیت دارد و مردم این نواحی در عین داشتن هوش و ذوق (این
مطلب از قالی های دست بافت آنان هویدا است) از هر جهت عقب افتاده و بی بضاعت
هستند .

از شهربابک پس از ۱۰۴ کیلومتر به سیرجان می رسیم که در متداد جاده اسفالته
کرمان - بندرعباس قرار دارد . از سمت چپ جاده شهربابک - سیرجان پس از طی
چندین کیلومتر راهی بطرف میمند منشعب می گردد که بسیار ناهموار است .

میمندی ها که اغلب دارای موهای بور و چشم های زاغ هستند هویدا است . از
اسامی دهات اطراف میمند چون پوراز - نوشاد - تی جنگ - للان - مرجنگ مشخص

است که کمتر اسامی عربی در زبان آنها وارد گردیده است میمندیها باری عید نوروز بیشتر ارزش قائل هستند تا اعیاد مذهبی و هنوز برای آتش و آب زراعت اهمیت قائل هستند و اغلب به آتش سوگند می خورند و در عرف محل ارثیه پدر فقط به فرزندان ذکور تعلق می گیرد و تذکر این مطلب جالب است که بر خلاف کلیه دهات ایران که معمولاً خانواده های سید فراوان دارند در میمند سید وجود ندارد . در هر حال مردمی بکر و دست نخورده هستند .

زمینهای اطراف میمند فعلاً کمتر قابل کشت است و نوع مهم نهال آنها نیز درخت بنه است که اغلب در حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ سال عمر داشته و دارای چوب بسیار سختی است میمندی ها بمناسبت موقعیت جغرافیائیشان نمی توانند از بهره کشی از خاک که اساس اقتصاد را تشکیل می دهد استفاده کامل بنمایند بنابراین اقتصاد بسته ان ها بر اساس دو عنصر مهم از چهار عنصر اصلی اقتصاد روستائی (کشاورزی ، دامداری ، باغداری ، صنایع دستی) قرار گرفته و ان هم دامداری و قالی بافی است .

لکن اساس اقتصاد میمند بر روی دامداری استوار بوده که بسیار پرسودتر از کشاورزی است دام برای خانواده میمندی عامل اصلی تولید کننده مواد غذایی مانند گوشت ، کره ، پنیر ، شیر و ماست است . پرورش دام در میمند تا سال ۱۳۴۷ متضمن مخارج زیادی نبوده است زیرا منبع اصلی تغذیه دام ها مراتع سبز بسیاری در کوههای اطراف موجو بوده و اینطور که خود اهالی اظهار می داشتند تا سال ۱۳۴۷ حدود یکصد هزار دام در ان جا وجود داشته و به مناسبت فقدان باران در چند سال اخیر این عده به حدود ده هزار رسیده

است (در این اعداد تا اندازه ای مبالغه شده است) و هم اکنون مردم ده مقدار زیادی از دام های خود را در جوار خودشان تغذیه می نمایند .

روستای میمند این مطلب علمی کاملا اثبات می گردد که در روستاها هر نوع صنعت دستی تحت شریط محیط جغرافیایی و طبیعی و اقتصادی آنان پرورده شده و تکامل می یابد . همین دامداری است که مواد اولیه صنعت قالی بافی را در اختیار اهالی میمند قرار می دهد یعنی در حقیقت اقتصاد بسته روستای میمند سبب شده است که اهالی از مواد اولیه که در آن محیط جغرافیایی وجود دارد استفاده نموده و احتیاجاتشان را خود برآورند و در جهت رفع کمبودهای زندگی روزمره و اشیاء مصرفی گام های موثری برداشته و تکنیک تولیدشان رو به تکامل رفته و حتی فراورده های صنعتی خود را به فروش رسانند . بافتن قالیچه یکی از صنایع و هنرهای مرسوم و دیرین اهالی میمند است و ادامه آن هنوز حاکی از سابقه بزرگ دامداری آنان می نماید . صنعت قالیچه و بقول خود اهالی " قالی " شاید در حدود چهل درصد منبع درآمد آنها را تشکیل می دهد و این با مقایسه با دیگر روستاها در صد بسیار بزرگی بوده و روحیه صنعتی و هنری اهالی میمند را منعکس می نماید . در منازل اغلب اهالی میمند دستگاه قالی بافی موجود است و زنان و دختران میمندی تقریبا نیمی از سال را با بافتن قالیچه سرگرمند زیرا نیمی دیگر از سال را به بیلاق می روند . این سنت از زمانهای قدیم برای آنان باقی مانده که تابستان و قسمتی از بهار و پائیز را در چشمه سارها و مذاتع اطراف تجمع نموده و هنگام زمستان به ده مراجعت نمایند در تابستان در حدود یکصد نفر در ده باقی خواهند ماند .

میمندی ها تمامی فراورده های قالیچه ای خود را به تجار شهر بابک می فروشند .
قالیچه های میمند بخاطر طرح های جالبشان مستقیماً به خارج کشور صادر می
گردد این تجارت اگر چه زندگی اهالی را تا اندازه ای تامین می کند ولی از طرف دیگر
خطر عدم حفظ فرم ها و از بین رفتن طرح های اصیل فراوان است در این جا باید به این
نکته توجه فراوان نموده و تدبیری اندیشید . که در عین تجارت و بهره برداری در حفظ
اصالت نمونه ها و طرح های میمندی هر چه بیشتر کوشیده شود و اگر جز این باشد
بتدریج عرضه فراوان ولی تقاضاها علت می یابد .

د- میمند در طول استوانه تاریخ

اهالی دهکده میمند به سبب اقتصاد بسته و به خصوص به خاطر مهاجوریت محل
دچار انزوا و تفرد شده و قرن ها و یا شاید هزاره ها تاریخ خود را در ابهام و تاریکی عمیقی
فرورفته اند . برای مطالعه دقیق روستای میمند می بایست که پرده گرد و غبار زمان را از
چهره آن زدوده و تاریخش را روشن نمائیم اگر چه میمند مملو از گذشت زمانهاست ولی
در این مرحله از کار هنوز نمی توان تاریخش را بازسازی نمود و ما فقط می توانیم
مقدماتی برای مطالعه عمیق بعدی فراهم آوریم .

اگر به روستای میمند با فاصله ای کمتر از نیم کیلومتر نگاهی بیافکنیم بنظر می
رسد که تاریخ را از درون استوانه ای عمیق نظاره می کنیم . این استوانه انقدر هیجان انگیز
است که ما را هر چه حریص تر به درون خود خوانده و غرق تشنه تاریخمان می گرداند

بعبارت دیگر نظر به میمند یعنی نظر به تاریخ و قرن‌ها زندگی مردم عادی به صورت کنکرت و لمس شدنی خود . میمند روستائی است که در آن تاریخ ورق نخورده است ولی تاریخی پر از ابهام . میمند روستائیت زنده و مانند اکثریت آثار باستانی ایران زیر خروارها خاک نرفته و از آن تپه ها به وجود نیامده است . این دهکده قرن هاست کبه حیات فعال خود ادامه می دهد بنابراین می بایستی مدارک کتبی فراوانی را در دسترس بگذارد ولی متاسفانه هیچ مدرکی وجود ندارد که راهنمائیمان کند و هر چه بیشتر دنبال چنین شواهدی رفتیم کمتر یافتیم .

مسلم این است تا هنگامیکه در اطراف این دهستان گبمانه زنی نشود ما نخواهیم توانست به تاریخ موجودیت این روستائی برده و روند تکاملی آن را بازباییم هر مطلبی که فعلا درباره تاریخ آن اظهار می داریم با قید احتیاط کامل است احتمالا به دلایلی که ذکر خواهم کرد روستای میمند بیشتر تاریخی می نماید تا پیش از تاریخ معماری میمند نمی تواند پیش از تاریخ باشد . این نظریه که روستای میمند قبل از ورود اریائیها به فلات ایران موجودیت پیدا کرده نمی تواند درست باشد زیرا در آن صورت می بایست میمند نوعی از روستاهای دوره مزولتیک باشد که امکان بسیار محدود است . همانطوریکه در مقدمه این فصل گفته شد در روستاهای دوره مزولتیک زنها حاکم مطلق بوده و در حقیقت حکومت مادر شاهی برقرار بوده است در روستای میمند هیچ اثری از چنین تسلط نمی توان یافت بلکه بعکس همه جوانب امر به خصوص فیزیک روستا تسلط کامل مردان و قدرت و نفوذ آنان را در تسلط به طبیعت نمودار می سازد . علاوه بر آن چنانکه بعدا خواهد آمد معماری

صخره ای روستای میمند می تواند ارتباطی با آئین مهر پرستی داشته باشد و می دانیم که این آئین با اریائیها به فلات ایران آمده است بنابراین باید نتیجه گرفت که معماری صخره‌ای میمند متعلق به زمان اریائیهاست .

البته این احتمال هست که شاید قبل از ورود اریائیها چشمه سارها و دره های اطراف این دهکده که از حیث شکار حیوانات و محصولات طبیعی کاملا مورد استفاده بوده محل سکنی قومی از مردم بومی فلات ایران بوده است و شاید از حدود ۴ الی ۵ هزار سال پیش پناهگاههایی بخاطر موقعیت خاص این دره در این محل به وجود آمده باشد و بعدها هنگام تسلط اریائیها این پناهگاهها مبدل به خانه های فعلی گردیده است این احتمال ولی بسیار ضعیف است .

اگر میمند را ساخته و پرداخته اریائیهای اولیه نیز بدانیم باز هم راه ناصواب پیموده ایم زیرا آنان در اولین حجرتهای خود به کرمان نرسیدند بلکه در آخرین ان ها .

می دانیم که آخرین شاخه اریائیها در حدود اواخر هزاره دوم و اوائل هزاره اول ق.م رهسپار حوالی کرمان گردیدند بنابراین موضوع پیش از تاریخ بودن بکلی منتفی است و ما می توانیم به این نتیجه برسیم که معماری صخره ای روستای میمند نمی تواند قبل از حدود ۱۰۰۰ ق.م باشد .

اگر معتقد باشیم که این مجموعه کار اریائیهاست پس باید انتظار ان را داشت که یکی دو قرن سپری شود تا فرهنگ اناندر نواحی مختلف کرمان گسترش یابد . علاوه بر ان

کندن چنین مجموعه ای خود فرصت بسیار زیادی را می طلبد . بنابراین می توانیم گمان کنیم که این مجموعه زودتر از قرون هشتم و هفتم ق.م بوجود نیامده است .

در حال حاضر باید به دو تئوری معتقد بود یا مجموعه میمند در حدود قرون هشتم و هفتم ق.م بوجود آمده و یا اینکه در اواخر دوره اشکانیان و اوائل دوره ساسانیان در هر حال معماری صخره ای روستای میمند هیچگاه زودتر از قرون هشتم و هفتم ق.م و دیرتر از قرن سوم میلادی نمی تواند باشد .

در باره تئوری اول می توان اظهار داشت که :

الف – در قرن هشتم و هفتم ق.م مادها در نواحی غرب ایران آثار معماری صخره ای فراوانی را از خود بیادگار گذارده اند . شاید پسر عموهایشان همزمان با آنها در میمند نیز چنین مجموعه بزرگی را به وجود آورده باشند .

ب- مذهب مهرپرستی در حدود قرون هشتم و هفتم ق.م نضج یافته و شاید در به وجود آوردن معماری صخره‌ای بطور اعم و روستای میمند بطور اخص نقش مهمی را بعهده داشته باشد .

در باره تئوری دوم می توان اظهار داشت که شواهد زیادتری در دست است و می توان معتقد شد که احتمالاً میمند متعلق به قرون دوم و سوم میلادی است . شواهدی چون قبور و قلعه های اطراف میمند و همچنین سفالهای بدست آمده ما را ترغیب می نماید که اوج تمدن میمندی ها را در دوره ساسانیان بدانیم .

علاوه بر همه آنها شهرها و یا بخش های اطراف میمند مانند کرمان ، شهربابک سردسیر گواشیر ، نرماشیر همگی بیشتر در دوره ساسانیان بنا شده و یا اباد گردیده اند بخصوص شهرهای فوق اغلب به اردشیر بابکان نسبت داده شده است (سعید نفسی " تاریخ تمدن ایران ساسانی . تهران ۱۳۳۱ ص ۸۹-۸۸) .

قلعه اردشیر و قلعه دختر در کرمان خود گواه ساسانی بودن این شهر است .

ریچارد فرای می نویسد در زمان اشکانیان بخش جنوبی کرمان از ان فارس بود و در مشرق و جنوب ان قبیله های مستقلی به هر سر کوچ می کردند (میراث ایران ص ۳۰۵) از این قبیله ها که هنوز در زمان اشکانیان کاملا جابجا نگردیده و اسکان نگرفته بودند در اواخر دوره اشکانیان و اوائل دوره ساسانیان نقاط خوش اب و هوا تر نواحی کرمان را برای سکونت انتخاب نمودند و هر قبیله ای در محلی استوار شده با یک پدر اردشیر پادشاهی چندین قبیله را داشت و در اواخر سلسله اشکانیان در قسمتی از فارس و کرمان حکم می راند (ه . ماسه - تمدن ایرانی ترجمه دکتر عیسی بهنام - تهران ۱۳۴۶ ص ۵-۱۷۴) شهربابک که هنوز به نام بابک خوانده می شود محتملا به دستور بابک پدر اردشیر و یا به دستور خود اردشیر بنا شده است .

مسلم ان است که انتساب شهربابک به اردشیر بابکان و یا پدرش بابک شاید بیشتر از ان جهت باشد که بابک و ساسانیان از این منطقه برخاسته اند آثار ساسانی اطراف شهربابک گواه بر این امر است .

در هر صورت منطقه کرمان در دوره ساسانیان در اوج آبادی و فراوانی خود بوده و بقول سعید نفیسی سرزمین کرمان در زمان ساسانیان ۱۸۰ در ۱۷۰ فرسنگ بوده و خراج سالیانه آن ۶۰ میلیون درهم بوده است (سعید نفیسی تاریخ تمدن ایران ساسانی ص ۳۰۶) بنابراین باید تا حدودی معتقد شد که احتمالاً یکی از همان قبایل کوچ نشین زمان اشکانیان در میمند سکنی گزیده اند .

از دوره ساسانیان تاحمله اعراب از میمند فعلاً اطلاع کتبی در دست نیست . کرمان هنگام گریز یزدگرد مورد تاخت و تاز اعراب قرار گرفت و گویا در طی قرون مختلف حکومت اسلامی شد که بیشتر از نقاط دیگر ایران مورد تاخت و تاز و قتل و غارت اقوام مختلف قرار گرفته است . میمند چون از نظر دفاعی مانند قلعه ای مستحکم است قبایل متعدد شکست خورده جنگهای کرمان اغلب به این نقطه پناه می آوردند از ظواهر امر پیداست که این روستا خود نیز از قتل و غارت قبایل مختلف بی نصیب نمانده و بارها به آتش کشیده شده است .

در کتب تاریخی - جغرافیایی ایران از میمند بدلائیل خاص انزوای طبیعی اش بندرت نامی برده شده است در خود تواریخ کرمان نیز فقط در چند محل از میمند یاد می شود آن هم به عنوان یک محل گذر .

زیرا آنچه در کتاب تاریخ کرمان دکتر باستانی پاریزی راجع میمند از قول کتب تاریخی - جغرافیایی قدیمی آورده شده نقل خواهد گردید از قول معجم البلدان پس از آن که این عامر حکومت فارس یافت مجاشع بن مسعود سلمی را در تعقیب یزدگرد به کرمان

فرستاد . لشگر ابن مجاشع در میمند دچار شکست شده ولی پس از آمدن کمک ابن عامر موفق به فتح سیرجان شده است (ص ۲۹) در تاریخ حدود ۱۳۰ هجری حکمرانی میمند را شخصی به نام عیسی از خانواده خدیج کرمانی داشته است .

در سنه ۷۴۱ هجری حکومت ال مظفر در کرمان مسلط شد و در سال ۷۴۳ میمند و حوالی آن نیز تحت حکومت امیر مبارزالدین محمد مظفر در آمد .

قبل از فتح امیر مبارزالدین مظفر میمند و حوالی کوهستانی آن در دست اعراب بود همین که امیر مبارزالدین مظفر بم و نرماشیر را فتح کرد بسوی رفسنجان راند . اعراب رفسنجان و انار را تخلیه کرده عیال و اموال خود را به کوهستان راویز میمند که میانه شهر بابک و رفسنجان است بردند (ص ۱۸۴) امیر مبارزالدین میمند و حوالی آنرا از دست اعراب بیرون آورده و بزرگ آنان را که حسن فولاد نام داشت کشته می شود بقایای لشگریان حسن فولاد به سمت هرات فرار می نمایند . امیر مبارزالدین دستور می دهد کهتا زنان و کودکان را رها نمایند تا بصوب فارس که وطن اصلی آن ها بود بردند (ص ۱۸۴) در سال ۸۴۸ هجری عبدالرزاق نامی که از کرمان می گذشته می نویسد به قلعه ترزک و از نجا به میمند و فرسان روان شدم .(ص ۴۷۴)

در دوره کورکانیان کرمان تحت حکومت ابوسعید بهادر بود تا اینکه ابو سعید مغلوب حسن بیگ از طایفه اق قویونلو گردید (۸۷۳ هجری) و حسن بیگ ، زنیل بیگ پس خود را به حکمرانی کرمان فرستاد . زنیل بیگ در سال ۸۷۴ سلطان حسین میرزا را به طرف میمن و فاریاب گریزاند و به دارالحکومه معاودت کرد (ص ۲۰۸) در دوره صفویه زمان حکومت

گنجعلیخان دوره رفاه و امنیت کرمان بود ولی بعدها در سال ۱۱۳۳ محمود افغان به کرمان می تازد . بر حسب دستور پادشاه وقت لطفعلیخان یکی از سرداران خود به نام محم قلی بیگ قزوینی را با سپاهیانش به کرمان فرستاد وی از کفه نمک ما بین فارس و کرمان عبور نموده وارد خیر اباد نمک که اول دهات میمند و سیرجان است گردید (ص ۲۹۶) ولی از محمود شکست یافت .

محمود به قندهار عزیمت کرد ولی در سال بعد مجدداً به کرمان آمده و آن جا را محاصره کرد سپس از راه میمند و سیرجان متوجه اصفهان گردید .ص ۲۹۷

پس از اینکه محمود افغان اصفهان را تصرف میکند و حکومت صفویه متلاشی می گردد یکی از بازماندگان صفویه به نام سید احمد خان در کرمان قیام میکند و سکه به نام خود می زند و یاغی میشود در سنه ۱۱۳۸ ولی محمد خان والی کرمان به اتفاق میراسپهر بیگ طاهری و خواجه حکیم بیگ دولت ابادی و سرکردگان براكوه و سیرجان و شهربابک و سالار عسکر بلوک اقطاع و اسمعیل بیگ را دری و میرزا ابولحسن بمی و خاندانقلی بیگ کرمانی و سایر سرکردگان جمعیت نموده در شمالی شهر میمند با سید احمد خان صف مصاف آراستند(ص ۳۰۰)

در زمان نادرشاه افشار تمام سربازان منطقه شهربابک تحت فرماندهی یک نفر از اهالی میمند به نام محمود قرار گرفت وی جز سپاهیان نادر بود که به علت تدبیر و لیاقتی که در گشودن یکی از قلاع کوهستانی به خرج داد حکومت شهربابک به وی تعویض گردید این حکومت تا دوره قاجاریه ادامه داشته است .

۲- معماری

الف - کاراکتر و فلسفه معماری صخره ای در میمند

تا کنون کمتر تحقیقی درباره معماری صخره ای میمند انجام پذیرفته و اگر هم جسته و گریخته نوشت جاتی یافت می شود بیشتر درباره نقوش برجسته صخره هاست . در فضای این نوشته ها نیز مطالب را بسیار موجز می توان بیان نمود .

تعریف

از بلوک سنگ مرمری پیکره ای بوجود می آید این مطالب می تواند همانقدر عادی تلقی شود که از مواد معمولی سنگ و آهک و اجر و بتون یک ساختمان بنا گردد . ولی اگر تندبسی را از صخره ای برآمده بتراشیم و یا صخره های عمودی را بریده و مسطح کرده و نقوش برجسته ای در آن ظاهر نمائیم بدین وسیله یک نقش برجسته صخره ای بوجود آورده ایم .

حال در صخره زنده ای حفره ای ایجاد کرده و بتدریج فضاهای متعدد در آن را افزایش داده تا خانه و یا آرامگاه و غیره ایجاد شود .

این مبارزه انسان با طبیعت را معماری صخره ای می نهیم به عبارت دیگر معماری صخره ای از مصالح آزاد و معمولی ساختمان بوجود نیامده بلکه از صخره زنده طبیعت بوده و در جهت عکس معماری آزاد و معمولی عمل میکند .

معماری معمولی کالبد یک بنا را به وجود می آورد و به وسیله آن از کلان فضا به ذره فضا می رسیم یعنی اینکه در معماری ازاد و معمولی فضا نتیجه کالبد یا ساختمان ایجاد شده است ولی در معماری صخره ای عکس آن است یعنی در این جا معماری از فضا شروع می شود یعنی از ایجاد تدریجی فضای کوچک آغاز شده و به فضای بزرگ می رسد .

این فضا از توده صخره بیرون کشیده می شود و سنگ طبیعی کالبد آن است زیرا مانند پوسته ای مستحکم اطراف فضای درونی را قرار گرفته است .

در معماری صخره ای فرم نتیجه فضاست یعنی ارگانیک ترین نوع معماری .

معماری صخره ای را از نظر فضاهای ایجاد شده به دو نوع تقسیم می کنیم :

۱- بناهایی که به کلی ازاد شده اند یعنی قسمتی از کوهی را بریده و مجزا کرده و سپس در درون آن فضاهای متعدد ایجاد نموده اند در این بناها می توان پنجره و نورگیر و غیره نیز تعبیه نموده نمای خارجی آن ها را نیز می توان حجاری کرده و فاساد سازی نمود مانند معابد هندی یا قبور نزدیک اورشلیم .

۲- بناهایی که در درون کوه کنده شده و فقط فضای داخلی صخره مطرح است و هیچگونه پنجره و غیره نداشته و فاساد سازی نمی تواند داشته باشد .

معماری صخره ای میمند از نوع دوم است یعنی صخره ها ازاد نشده اند بلکه در داخل کوه فضاهای متعدد ایجاد کرده اند بدون نمای خارجی و بدون اینکه به ترکیب ظاهری کوه تغییرات زیادی داده باشند .

اهمیت

بناهای معمولی به اسانی ویران می شوند چه به وسیله طبیعت و زمان و چه بوسیله انسان ولی معماری صخره ای فقط یک دشمن دارد که آن را تعهد می کند و آن زمین لرزه های بزرگ است با وجود این زمین لرزه هم نمی تواند چندان خسران بزرگی بر آن وارد آورد زیرا که از صدها محل کار شده در صخره ها که در سرزمین های زلزله خیز قرار داشته فقط تعداد کمی زلزله خیز قرار داشته فقط تعداد کمی ویران گردیده است .

معماری صخره های به عنوان یک مجموعه تاریخی نه تنها از نظر تاریخ هنر و باستانشناسی و علم ماقبل تاریخ بسیار اهمیت دارد بلکه برای تاریخ تمدن تاریخ ادیان و روابط فرهنگی مابین مللی که دارای این نوع معماری هستند نیز شایان توجه است زیرا همین ویران نشدن و جاویدان ماندن معماری صخره ای سبب شناخت هر چه بیشتر تمدنها گردیده است . معماری صخره ای در بازسازی تاریخ تمدن ملت ها نقش بزرگی را بازی کرده و در حقیقت بشر به معماری صخره ای بیشتر مدیون می باشد تا معماری معمولی .

مقدار معتناهایی از آرامگاهها و مساکن را که هنوز در ایران باقیمانده مدیون معماری صخره ای هستیم . اگر در ایران معماری و نقوش برجسته صخره های وجود نمی داشت مطمئنا تاریخ تمدن ، تاریخ هنر و اصولا تاریخ ایران به همین مقدار قلیل خود نیز روشن نگردیده بود .

علاوه بر تمام این ها اهمیت دفاعی معماری صخره ای در مقابل انسان و حیوان مهاجم غیر قابل انکار است .

فلسفه معماری صخره ای میمند

در اینکه معماری صخره ای بر اساس فلسفه و معتقدات خاصی به وجود آمده است شبیه ای نمی توان داشت ولی جست و جوی اساس این فلسفه و معتقدات مستلزم بررسی های عمیق تری است .

با تمام این احوال در این جا بدان اشاراتی می کنم که چه معتقداتی سبب به وجود آمدن معماری صخره ای به طور اعم و معماری صخره ای میمند بطور اخص گردیده است .

در فرهنگ ملل قدیم کوه عنصری مقدس و مورد احترام بوده و نقش مهمی در مراسم و ادراک مذهبی داشته است . اکثریت بزرگی از اقوام معتقد بودند که جایگاه خدایان بر فراز کوههای خوش منظر و بلند می باشد . پاره ای از ملت ها مراسم ستایش خدایان را در فوقانی ترین محل کوهها و جاهای بلند انجام می داده اند مانند بابلیان که جایگاه اصلی مردوک را بالای کوه می دانسته اند همچنین است در مورد خدای اشوریان و خدای سومریان انلیل .

این سنت قدیمی طی قرنهای موجودیت خود به دیگر اقوام و تمدنها نیز راه یافت . موسی پیامبر یهود در کوه تور با خدای خود راز و نیاز می کرد . یونانیان باستان کوه المپ را محل اجتماع خدایان می دانسته و حضرت محمد در کوه حرا به رسالت برگزیده شد این مسئله را شاید بهتر با مطالعه هنر و معماری اقوام متعدد می توان به خوبی دریافت . کوهها روی ظروف سفالین نقش می گردند و زیگوراتها را به خاطر این بلند می ساختند که می

بایست به کوه شباهت یابد تا خدایان بتوانند در بالای آن خدایی نمایند . اهرام مصر نیز کوههایی هستند که فراغه باید پس از مرگ در آنان زندگی کنند .

این عقاید بر روی فلات ایران بیشتر از همه نواحی اشاعه داشت در داستانها درباره پهلو گرفتن کشتی نوح در کوههای ارارات و الوند اظهارات و تفاسیر فراوانی به عمل آمده است و همچنین می گویند که کیومرث از نظر ایرانیان قدیم اولین بشری است که ویرا " اهورا مزدا بیافرید و در مدت سی سال در کوهساران به سر برد " پور داوود " مزدیسنا جلد سوم ص ۴۴ " .

ملاحظه می شود که از همان ابتدا که موجودیت بشر در افسانه ها منعکس شده است وی را به کوه نسبت می داده اند " کشتی نوح را به کوههای ارارات و کیومرث را به کوهساران " .

در ایران کوههای فراوان وجود داشته که جنبه تقدیسی داشته و در ادبیات منعکس گردیده است چون کوه بیستون ، کوه حاجی اباد در نقش رستم کورانگون در ممسنی کوه الوند در همدان و کوه رحمت در تخت جمشید .

بعضی از ادیان ایرانی چون ایین مهرپرستی و زردشتی ارتباط مستقیمی را با تقدیس کوه اشکار می دارند .

ایین مهرپرستی زمانها پیش از ایین زردشتی پدید آمده و از فرهنگ اقوام آریایی محسوب می گردد.

مهر یا میترا (خدای خورشید) میان ایران و هند مشترک بود و خدای شکست ناپذیر نور و راستی به شمار می رفت. مهرپرستان او نر را حیوان مقدسی می دانستند. میترا براین گاو نر پیروز شده و سپس آن را قربانی نموده و از خون آن کلیه جاندران عالم را زندگانی می بخشید. مهر پیشوای نور جهان است و تاریکی را می زداید و به زشتیها پایان می دهد. تعلیمات مهرپرستی موجب خوشبختی در جهان و عمر جاویدان پس از مرگ است.

جشن مهرگان نیز از همین فرشته نیک بختی بازمانده است. این مهرپرستی در این زردشتی زندگی خود را ادامه داد فرشته مهر یکی از دو فرشته مقرب زردشت بوده است که مقامشان از هفت امشاسپندان نیز بالاتر بود.

یکی از یشتهای زردشت تحت عنوان (مهریشت) به نام همین الهه آمده است. در بندهای ۱۳ و ۱۴ مهریشت آمده است که میترا از قله کوه هرا یا هرئیتی (که گویا شاخه ای از کوههای البرز بوده است) بر سراسر مسکن آریاییها نظاره می دارد.

مهر در بالای کوه هرا یعنی انجائیکه هیچگونه گرما ناخوشی تاریکی و شب را راهی نیست و بر تمام زمین مشرف و مسلط است قرارگاهی دارد و از آن جا تمامی جهان را نظاره می کند و در هر نقطه ای که کارهای زشت از قبیل دروغ، عهد شکنی، بی وفایی و غیره انجام گیرد فوراً شناخته و گناهکار را به سزای اعمالش می رساند.

در اساطیر ایرانی آمده است که مهر از تخته سنگی باور خارق العاده افزیده شد و بر همه چیز مسلط شده و با گاو مقدس زمین در او یخت و او را در هم شکسته و قربانی نمود.

در مهریشت زردشت آمده است (ای مهر تویی نگهبان خان ومان ازتست خانه های بزرگ که از زمان برازنده یعنی قدیم برخوردار است) ص ۲۸۳ تمدن ساسانی .

ایین مهر بعدها در آغاز قرن اول مسیحی توسط مبلغین ایرانی و مخصوصا سربازانی که در جنگهای ایران و روم شرکت داشتند در امپراطوری روم اشاعه یافت و تمامی جنوب اروپا را فراگرفت این ایین تا اواخر قرن چهارم مسیحی در اروپا وجود داشت و پس از مبارزه ای خونین بالخره مغلوب دین مسیح گردید و به کلی در قرن پنجم میلادی نابود گردید .

نرن اولین امپراطور رومی بود که مذهب یترا در قرن اول میلادی پذیرفت و سپس امپراطور کومودوس به این ایین ایرانی گروید .

امپراطوران گالریوس ، لی سینوس و دیوکلسین نیز معابدی به افتخار مهر در کنار دانوب بر پا ساختند .

در حدود سال ۲۰۰ میلادی نیز در جزیره اندروس شخصی بنام ارلیوس رفینوس غاری تعبیه کرده و به میترا پیشکش نموده است (ص ۴۹ کتابایین مهر ترجمه نادر بزرگزاد) در شهر روم در حدود یکصد غار مهری پیدا شده است (ص ۵۷ همان کتاب) نظیر چنین غارهایی در فرانسه و المان و یوگسلاوی فراوان یافت شده است .

در این غارها صورت میترا در حالیکه مشغول کشتن گاو مقدس است روی جدار سنگی غار کنده شده است . از این رو در کتاب ایین مهر آمده است که ستایش مهر در غارهای طبیعی انجام می گرفته است .

نزد یک غار می بایستی رودخانه ای جریان داشته باشد گاهی اوقات که مقتضیات مکانی اجازه بر پاساختن معبد را که می بایست مطالب گفته زردشت در غاری طبیعی باشد نمی داد محرابه ای مصنوعی می ساختند و در این امر دقت می شد که نمازخانه سیمای غار را داشته باشد نتیجه این شد که تا حد امکان محرابه ها زیر زمینی ساخته می شدند اما غار نشانه گنبد آسمان است و به همین علت طاق محرابه معمولا محدب و مزین به ستاره های مصنوعی است با وصف این در این امر رعایت می شد که درون محرابه تاریک بماند و تقریبا هیچ وقت پنجره و روزنه ای برای آن نمیساختند . ترتولین در کتابش از اینکه خدای روشنای را در محرابه ای بی فروغ که همچون سنگ تیره است می پرستیدند در عجب می شود (ص ۵۹ - ۵۸)

نظیر چنین استدلالی را نزد ماترنوس نیز می بینیم وی می نویسد : مهر پرستان نام خدای خورشید را به میترا می دهند و مراسم دینی را در غارهای انقدر تاریک انجام می دهند در نالمت نا میمون مخفی می شوند و از جذبه و روشنایی حذر می کنند (ص ۶۹ - ۵۸).

در جای دیگر آمده است که غار مهری غار چذخ گردون است صخره هم کنایه از آسمان است که نور بر زمین می پاشد گاهی اوقات در برخی تصاویر شعله هایی از صخره سنگ (مثلا در ناحیه دورا) وقتی که از کلاه فریجی بیرون می جهد گاه گاه روی کلاه فریجی ستاره هایی دیده می شود و مبین این است که کلاه فریجی مثل غار می تواند نماد چرخ گردون باشد. (ص ۱۰۸)

در مورد مهر مازرن می نویسد که استاس در سالهای ۸۰ بعد از میلاد مسیح میترا را بر این گونه توصیف می کند " خدایی که زیر صخره غارهای ایران چمپاتمه زده شاخه های سرکش خود را می گرداند و باز می گرداند " (ص ۴۶) و در جای دیگر در تایید گفتار زردشت می گوید که نیروی باطنی و سحرآمیز میترا را از درون صخره ای به جهان خارج سوق داده است صخره های ابستن شد و میترا را زائید (ص ۱۰۸)

پس از گفتار فوق به این نتیجه می رسیم که بدون شک معماری صخره ای را با این مهرپرستی رابطه ایست مستقیم . در داستانها می خوانیم که مهر در بالای کوه هرا قرار گاهی دارد که از آن جا به مساکن اریائیها که خود نیز در کوهها هستند نظاره می نماید و علاوه بر آن خود وی نیز از تخته سنگی افریده شده و در درون غاری گاوی را قربانی می کند ملاحظه می گردد که در اینجا معتقدات مهرپرستان درباره تقدیس کوه و صخره با جنات مختلف بیان می گردد .

از همه مهمتر گفتار زردشت که می گوید ای مهر از تست خانه های بزرگ که از زمان برازنده (یعنی قدیم) برخوردار است . در این گویش زردشت غیر مستقیم بر خانه های سنگی و صخره ای اشاره می کند زیرا فقط خانه های سنگی و صخره ای هستند که از زمان برازنده برخوردارند یعنی مدتی طولانی بر پای می مانند و عمری جاویدان دارند . بی جهت نیست که محرابه های بی شماری از مهرپرستان را در اروپا به شکل سرداب و غار می ساخته اند .

بدون شک ایرانیان این مهرپرستی و فرم معماری صخره ای خانه مهرپرستان ایران را با خود به اروپا برده اند .

یکی از ارکان این مهرپرستی بر شکست ناپذیر بودن و جاودانگی پدیده ها استوار بوده است . مهرپرستان معتقد بودند که خورشید شکست ناپذیر و جاودانه است و همین مسئله شکست ناپذیری و جاودانگی است که آنان را به سوی تقدیس کوهها می رانده است . چون کوه خود پایدار و شکست ناپذیر و جاودانه است . از این جاست که مهرپرستان عقیده داشتند که مهر از سنگ متولد شده زیرا سنگ نیز شکست ناپذیر و جاودانه است . در هر حال مسئله جاودانگی در تمام فرهنگ میترا به چشم می خورد و از این جهت است که معماری صخره ای را می توان به مهرپرستان ایران نسبت داد زیرا معماری صخره ای نیز جاویدان باقی می ماند .

مهرپرستان بدون شک در حوالی فارس و کرمان نیز محرابه هایی داشته اند چنانچه ساسان سر سلسله ساسانیان خود یکی از روحانیون معبد اناهیتا در فارس بوده است یعنی موجودیت معابد اناهیتا که از نظر ایینی شباهت به مهرپرستی دارد در آن خطه محرز است از این جا می توان حدس زد که معابد مهرپرستان نیز می بایست در آن حوالی یافت می شده است .

در هر حال ادله فوق تمامی موید این است که معماری صخره ای میمند می بایست احتمالاً ارتباطی با این مهرپرستی داشته باشد .

حجاران میمندی که شاید این مهرپرستی داشته اند در کمال قدرت این خود را در معماری یعنی مسکن خود پیاده نموده اند یعنی خانه هایشان را به طریقی در کوه کردند که جاودانه و شکسن ناپذیر چون خورشید تا هزاران سال پایدار بماند می دانیم که نیروی مبارزه و سرسختی یکی از اصول این مهرپرستی است . انضباط و نیروی ایمان همچون نظم سربازی در این این رواج داشت .

تمامی این افکار با ساختمان مجموعه خانه های میمند تطابق دارد این مجموعه نشان می دهد که مردمی مبارز و سرسخت و ایمان گرا در ساختمانش دخالت داشته اند حجاران میمندی معتقد بودند که طبیعت یعنی کوه و صخره شکست ناپذیر است و آنها نیز که می خواهند شکست ناپذیر باشند باید در شکم طبیعت زندگی کنند . انسان میمندی می خواست به وسیله کار پر زحمت و پر ارزش خود یعنی کندن کوه و صخره ضمنا تسلط خ.د را بر طبیعتشان دهد . وی در پناه طبیعت به طبیعت پیروز می شود وی چون خود را شکست ناپذیر می داند می خواهد اثری که از وی باقی می ماند نیز شکست ناپذیر و جاودانه باشد معمار میمندی به انسان به عنوان یک موجود جاودانگی می نگرد و با مرگ وی همه چیز را تمام شده تلقی نمی کند و خانه های انسان را جاویدان می سازد تا خاطره اش از جهان محو نگشته و جاویدان بماند .

فلسفه معماری صخرهای میمند ضمن مسئله مادری مسکن مربوط به دفاع در مقابل انسان و طبیعت که در فصول آینده از آن صحبت خواهد شد مسئله جاودانگی و پیروزی بر

وجود فانی است یعنی انسان به وسیله این خانه ها بر وجود فانی و بر دنیای نیستی پیروز شده و ان را مبدل به جهان هستی و جاودان نموده است .

ب - نظری به معماری صخره ای نواحی مختلف جهان

به احتمالی غار به بشر اولیه نخستین تصور از فضای معماری را اعطاء کرد . نخستین تشخیص احتمالی او درباره قدرت یک فضای محصور به دیوارهای طبیعی که روح و فکر او را آماده پذیرفتن تحول اساسی زندگی نمود . نمونه هایی از ان غارهای طبیعی لاسکو والتامیرا در اروپا و غارهای بیشماری در خود فلات ایران هستند که فضای زندگی انسان اولیه را منعکس می دارند .

انواع فضاهای معماری ملل باستانی چون اهرام مصری زیگورات های ایرانی و بین النهرین و همچنین مهرابه های مهرپرستی و کاتاکمب های مسیحی تقلیدی از غارهای طبیعی نواحی مختلف بوده است .

در این بین نوع معماری صخره ای تقلیدی کامل تر از بقیه انواع معماری ها بوده و به خصوص در این جا معتقدات مذهبی بشر نیز همانطوریکه فوآء امد نقش مهمی را به عهده داشته است .

تشخیص اولیه محل معماری صخره ای درست همانند تشخیص اولین خانه ها بشری کار بسیار مشکلی است ولی همین قدر می توان گفت که ابتدا معماری صخره ای در ان نقاطی به وجود آمد که سنگ ها استقامتشان کمتر بود . بعبارت دیگر بشر ابتدا با سنگ های ملایم تر برای به وجود آوردن فضا به مبارزه برخاست و سپس پس از تجربه زیاد به

سنگ های مستحکم تر رسیده است . از معماری صخره ای با سنگ های کم استقامت تقریبا چیزی باقی نمانده ولی این طور که حدس زده می شود قدیمترین نوع معماری صخره ای در آسیای صغیر و خاور نزدیک پدید آمده است .

در قاره اروپا هنوز اثری از معماری صخره ای قدیم مشاهده می گردد . در مینور کاری اسپانیا از دوره نئولیتیک چندین مقبره صخره ای که دارای نقشه ای بیضی شکل است در پلیمیریو در سیراکوس از دوره برنز اروپا در درون کوه فضاهایی کنده اند مدور شکل که در اطراف ان فضاهای فرعی دیگری نیز وجود دارد . در ساردنی مقبره و یا خانه هائی از حدود ۲۰۰۰ سال ق.م وجود دارد که به اسم محلی ویچز (witches) خوانده می شود . در یونان در کنار چشمه انتیک در کاستالی در دلفی و همچنین در ناحیه اتروریا در ایتالیا و گویا در ناحیه ای در جنوب انگلستان حفره هائی در دل کوه کنده شده است .

در نواحی اطراف تریپولی روستاهائی یافت می شود با حدود ۴۰۰۰ نفر جمعیت که گویا هنوز مردم ان در خانه های صخره ای زندگی می کنند .

در افریقا در کشور اتیوپی (حبشه) در نواحی لالیبالا lalibala و کارگار کلیساهای متعددی در قرن دوازدهم میلادی در داخل کوه کنده اند که از نظر تناسبات و زیبایی نمودار یکی از بهترین انواع معماری صخره ای می باشد .

در امریکا در قرن ۱۳ میلادی در استانهای اریزونا و کلراد و از پیش آمدگی قسمتی از کوه که زیر ان به طور طبیعی خالی است استفاده شده و جلوی ان دیواری کشیده اند که البته با معماری صخره ای چندان ارتباطی ندارد .

در آسیا فراوان تر می توان به مطالعه معماری صخره ای پرداخت در اورشلیم در حدود ۲۰۰ مقبره صخره ای به شکل دخمه وجود داشته که دارای سنگ بسیار سختی است . این ناحیه تحت عنوان (دختر معماری صخره ای) معروف است . مراسم تدفین در این مقبره ها دو جانبه بوده است . ابتدا جنازه را به طور موقت در حفره ای می گذارند و پس از چندی که فقط استخوان های جنازه باقی مانده و حجمش کمتر می گردد آنها را در داخل صخره ای کوچکتر منتقل کرده و در آن جا برای همیشه دفن می گردند . آسیای صغیر یکی از مراکز مهم معماری صخره ای محسوب می گردد در نقاط متفاوت ترکیه به خصوص در نواحی پونتوس ، کاپادوکیه ، فیریکیه ، لودییه و پافلاگون معماری صخره ای نقش بسیار مهمی را در تاریخ این نوع معماری به عهده دارد .

در محلی به نام اسکی دوگوبایزیت Eski Dogubayazit نزدیک جاده ارزروم بازگانان و دره کیلومتری شرق شهر مرزی ترکیه بنام دوگوبا یزید مقبره های صخره ای از حدود قرن هشتم و هفتم ق.م وجود دارد .

و اما مهمترین مرکز معماری صخره ای آسیای صغیر در دوره گرومه می باشد . در قلب اناتولی در حدود ۳۰۰ کیلومتری جنوب شرقی انکارا سرزمینی وجود دارد که گوئی متعلق به جهان دیگری است . این محل که از نظر تاریخ هنر بهترین و مهمترین آثار تاریخی قرون وسطی آسیای صغیر را داراست همان کاپادوکیه است که در آن کلیساها ، دیرها و خانه ها همه در صخره کنده شده اند . گرومه را می توان از راه قیصریه و از طریق

اورگوپ Urgup یک روزه بازدید نمود . فاصله قیصریه تا اورگوپ ۲۸ و از انجا تا گروه ۷ کیلومتر می باشد .

در دره گروه در اثر فعل و انفعالات زمین شناسی منظره ای را طبیعت به وجود آورده که شاید بیشتر به نظر خواب و خیال بیاید تا واقعیت . هزاران جورا جورا جورتکی جفتی چند تائی مسطح و غیر مسطح و دوک مانند در حدود ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر از فضای طبیعت را اشغال کرده است کوه هائی به شکل هرم و قارچ و همچنین کمدهائی بمانند کوره های اجریزی و ستون های عظیم و سکوهای غول اسا منظره بدیعی را به وجود آورده است . در دره گروه خانه های بیشمار معمولی از اجر و سنگ ساخته شده که اکنون محل سکنی مردم این ناحیه می باشد . خانه ها کلیسا و دیرهای صخره ای قدیمی به عنوان طویله و انبار و خیلی به ندرت به عنوان خانه نشیمن مورد استفاده قرار می گیرد خانه ها در صخره ای کمتر محکم تر ساخته شده و معلوم نیست که در ابتدا ان ها بخاطر سکنی کنده شده باشند چه زمانی انسان ها برای اولین بار در گروه مسکن گزیدند سوالی است که فقط حفاری می تواند جواب ان را بدهد ولی فضاهای اصلی این ناحیه از حدود قرن هفتم میلادی آغاز گردیده و قبل از ان فرهنگ مهرپرستی را باید در به وجود آوردن معماری صخره ای اشبی تاثیر ندانست . چنانچه پازولینی کارگردان سینما نیز در فیلم مدا بدین موضوع اشاراتی دارد بعضی از خانه ها در گروه دو طبقه و اغلب دارای فضائی بیضی شکل است . در داخل ان ها سکو برای خواب ، اجاق و میز تعبیه گردیده است . در کنار اطاق های نشیمن و خواب که فضاهای اصلی به شمار می روند فضاهای فرعی برای نگهداری

احشام و انبار نیز به وجود آمده است . این خانه ها اغلب به وسیله یک پلکان مارپیچ بسیار مشکل قابل دسترسی است .

کلیساها و دیرها بدون فاساد بوده (بعکس معماری صخره ای هندوستان) و فقط در داخل مقداری تزئین گردیده اند . این کلیساها در قرون ششم و هفتم به شکل بازلیکا کنده می شد و از قرن هشتم به بعد بر اساس بناهای محور تقارن مرکزی به وجود آمده اند معماری صخره ای بخش عمده ای از تاریخ معماری شبه قاره هندوستان را در بر میگرد این نوع معماری از حدود ۲۰۰ ق.م آغاز و به قرن نهم میلادی خاتمه می پذیرد معماری صخره ای هندوستان در خدمت مذاهب متعدد بوده و از فرم معماری قدیمی چوبی آن سرزمین الهام گرفته است .

تالارهای صخره ای چائی تیا Chaitya در بهاجا Bhaja نزدیک بمبئی در قرن اول ق.م برای تجمع روحانیون بودائی بوده و به یک افسید ختم می گردند ای تالارهای اصلی بلندتر و طویل تر از ناوهای طرفین خود بوده و شباهتی به بازلیکا پیدا می کند . در اجانتا رویهم رفته ۲۷ معبد و خانه صخره ای وجود دارد که تعدادی از آن ها در قرون اول مسیحیت و مابقی در قرون ششم و هفتم میلادی ساخته شده اند .

در کارلی (ابتدای قرن دوم میلادی) و بهاجا بر روی طاق نیم استوانه ای ترک هائی از چوب تعبیه گردیده است که تقلیدی از ساختمانهای قدیمی است ولی در اجانتا این ترک نیز از سنگ سخت است به کاربردن چوب علاوه بر تقلید خانه های قدیمی دلیلی بر مقدس شمردن درخت نیز می باشد .

در قرن هفتم میلادی معابد مامالاپورام Mamallapuram را از کوهی گرانیت حجاری نمودند به این نوع کار میتوان معماری سنگ یکپارچه یا مونولیت عنوان داد . در الورا ۳۳ ساختمان سنگی وجود دارد که همگی پلاستیک وار از توده ای از کوه بریده شده و حجاری گردیده اند مونولیت ها نمایشگر قدرت بزرگ پروردگار است .

معابد صخره ای هندوستان ابتدا به صورت غار ساده ای برای مراسم مذهبی جلوه گر شد سپس در اثر تقلید از فرم معابد چوبی تکامل یافت . معماری صخره ای هندوستان که در خدمت بودائیسیم قرار داشت تا اندازه ای تحت تاثیر معماری صخره ای ایران قرار گرفت . بودائیسیم خود تحت نفوذ مذاهب ایرانی قرار گرفته و ارتباط فرهنگی ایران و نواحی شرقی و مرکزی اسیا حاجت با ثبات نیست برای مثال در سال ۶۷ میلادی گروهی از دانشمندان ایرانی و بودائی کیش از برای تبلیغ به چین رفتند و کتب مقدس بودائی را به زبان چینی ترجمه نمودند .(ص ۳۱ پورداوود) .

علاوه بر آن پور داوود ادامه می دهد که در پهلوی معبد معروف بودائی در بالای کوه کارلی (کارلا) در میان راه بمبئی و پونه منزلی که در بدنه کوه سنگی از برای اقامت رهبانان یا دشمنها ساخته شده و نگارنده مکرراً بدیدن آن رفتن بانی آن یک ایرانی است که به کیش بود اگر رمیده بوده است (ص ۳۲) .

همین نوع ارتباط را شاید بتوان در بامیان افغانستان نیز مشاهده کرد مسلماً مذهب بودائی در ارتباط با مذاهب مهرپرستی و مزدائی قرار داشته و شاید در بعضی از موارد زیر

تاثیر آنها قرار گرفته است . خود مذهب بودائی تا اندازه ای در نواحی شرقی ایران رواج داشته است .

ارتباط مذهب بودائی با معماری صخره ای را مشکل بتوان دریافت ولی در اینکه بامیان بدست بودائی ها به وجود آمده شکلی نمی توان به خود راه داد . بامیان در خاک افغانستان مابین بلخ و پیشاور قرار گرفته و محل استراحت کاروانها و یکی از مهم ترین زیارتگاههای بودائی بوده است . در این محل در کنار دشتی دیواره ای از صخره طبیعی با ارتفاعی بسیار زیاد خود را به بالا کشیده است . این صخره عظیم برای چنین زیارتگاهی کاملا مجاز بوده و در کنار آن ها خانه هائی نیز در دل کوه کنده شده است خانه های مسکونی و زیارتگاهها به تدریج از قرن سوم تا هفتم میلادی ساخته شده یعنی هنگامیکه مذهب بودائی در این نقاط به اوج فعالیت خود رسیده بود . در مرکز بلوک مسکونی صخره ای بامیان در داخل حفره های بزرگی پیکره های غول پیکر بود اهر یک به ارتفاع ۳۵ و ۵۳ متر و به فاصله حدود ۴۰۰ متر از یکدیگر قرار دارند .

پیکره ای که با فرم لباس ایرانی دوره ساسانی و به ارتفاع ۳۵ متر در شرق صخره در درون حفره ای قرار دارد در قرون چهارم یا پنجم میلادی ساخته شده و می بایست برای نصب آن ۸ متر درون صخره را نقر نمایند این پیکره خود از نظر استیکی چندان جالب نیست ولی قرار دادن آن در حفره های عظیم کاری بس مشکل و از نظر تکنیک جالب و با ارزش است این پیکره ۵۳ متری در قرون پنجم و ششم ساخته شده و دست راستش به طرف بالا و دست چپ روی بدن در حال نگهداشتن لباس بودائی خود بوده و صورت آن در

قرن هفده هدف گلوله های توپ اورنگ زیب پادشاه هند قرار گرفته است برای نهادن این پیکره عظیم در حفره بزرگ می بایست حفره ها ، گالری ها ، دالان ها و پلکان های متعدد دیگری در درون صخره کنده شود . تالارهای تجمع روحانیون و بقیه فضاها که با حفره های فوق در ارتباط بوده و کمپلکس جالبی را به وجود می آورد به صورت ۴ ، ۶ ، ۸ الی ۱۶ گوش بوده و اغلب طاقهای گنبدی شکلی دارند داخل این فضاها طاقچه های متعدد تعبیه شده و گاهی اوقات فرسکهائی نیز مشاهده می گردد .

ج- نظری بسیار مختصر به معماری صخره ای ایران

معماری صخره ای از ادوار بسیار قدیم در ایران مرسوم بوده و همانطوریکه در فصول پیش اشاره شد این معماری در خدمت معتقدات دینی و همچنین مسکن بوده است . مسلما اگر در شمال و شمال غربی ایران و هم چنین نواحی کوهستانی کرمان بررسی دقیقی انجام گیرد به کشف صخره هائی نائل خواهیم شد که درون ان هارا خالی نموده اند ولی در این جا موجزا فقط ناچار از ذکر انهائی هستیم که اشکار گشته است .

معماری صخره ای در زمان مادها بیشتر در ناحیه کردستان ایران و قسمتی از خاک کنونی عراق و همچنین اذربایجان غربی (قلمرو اورارتو) پراکنده واغلب جنبه مذهبی دارد . در این بین ارامگاههای مادی را بر حسب نوع فساد ورودیشان می توان به ترتیب زیر تقسیم بندی نمود :

ارامگاههائی که در نمای ورودیشان ستونهای ازاد نمایان است فخریکا نزدیک اندیر کاش Endirkash در دره الی پانزده کیلومتری شمال شرقی مهاباد ، فرهاد و شیرین در

نزدیکی صحنه در کرمانشاه ، دکان داوود نزدیکی سر پل ذهاب و کورد کیچ -kush-u
kich در نزدیکی سورداشی و قیز قاپان در خاک کردستان عراق .

ارامگاهائیکه در دوطرف نمای ورودیشان نیم ستون های متصل به صخره ملاحظه می
گردد قیز قاپان (رباینده دختر) در خاک کردستان عراق ، داد دختر در نزدیکی فهلیان
فارس و اخور رستم ۸ کیلومتری جنوب تخت جمشید .

از ارمگاههای ساده ای که در نمای ورودیشان ستونی ملاحظه نمی گردد فقط در دو
نقطه کردستان و هم چنین در نزدیک سرخاد در ساحل چپ رود گاما ساب شواهدی در
دست داشت . در داخل اطاق پیشین ارامگاه نزدیک سرخاد ستون های ازادی تعبیه شده
است .

در اذربایجان غربی حالیه و در قسمتی از قلمرو اوراتو در نقاط متعددی به معماری
صخره ای برخورد می نمائیم از جمله :

سنگار که در ۹ کیلومتری ماکو از طرف بازرگانان دو کیلومتر به طرف شمال جاده
اصلی در کنار رود ماکو واقع است در این محل روی یک فلات کوچک صخره ای اثری از
یک قلعه باقی مانده که در دامنه ان یک پلکان ازاد و یک اطاق صخره ای ملاحظه می
گردد . این پلکان با پلکان صخره ای دژوان قابل مقایسه است . فضای اصلی دارای یک
حفره بزرگی است که گویا برای به خاک سپردن جنازه تعبیه شده است این اطاق دارای ۳
حفره کوچکتر با قوسهای هلالی نیز میباشد . این اطاقها چهار گوش با زوایای قائمه
هستند.

بسطام در ۸۵ کیلومتری جنوب شرقی ماکو نزدیک قریه قرا ضیاءالدین ما بین خوی و ماکو قرار دارد . در این ناحیه در ارگ و قلعه های متعدد ان فضاهای صخره ای فراوانی یافت می شود در منتهی الیه کوه پلکان های صخره ای تعبیه شده و همچنین در ناحیه شرقی استحکامات بسطام به فضاهائی مدور و داس مانند بر می خوریم که کاربرد ان ها معلوم نیست .

در میان راه شاهپور - رضائیه و در پانزده کیلومتری شهر اخیر دو صفحه در صخره ای به وسیله راننده انستیتو باستان شناسی المان در تهران کشف شد که بنام وی به قلعه وزیری معروف گردیده است .

در ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی شاهپور در یک مجموعه گویا اورارتونی دو اطاق صخره ای وجود دارد که یکی از ان ها ۱۰، ۱۰*۵۰ و ۵ و با ارتفاع ۲/۲۵ متر است .

در داخل این اطاقها سکوئی به ارتفاع و پهنای ۶۰ سانتی متر دیده می شود در وسط ان شیاری نیز تعبیه شده است که شاید برای تشییع و شستن مردگان بکار میرفته است .

به عقیده دکتر ولفرام کلایس رئیس انستیتو باستان شناسی المان در تهران نقاط فوق چون در قلمرو اورارتو قرار دارد و سفال ها نیز تا اندازه ای شواهد مستحکمی هستند تعلق ان به معماری اورارتو روشن است ولی از کجا معلوم است که این معماری بیشتر به خاطر ائین مهر پرستی به وجود نیامده و این فضاها همان مهرابه های ائین مهر نباشند در هر حال در این باره باید تفحصات بیشتری نمود .

درباره آرامگاههای صخره ای پادشاهان هخامنشی در نقش رستم و تخت جمشید فرصتی نیست سخن گویم ولی در اینجا فقط می خواهم متذکر شوم که آرامگاههای هخامنشی نقش رستم و تخت جمشید شواهدی هستند از معماری صخره ای آرامگاهی در اوج تکامل خود . بنابراین باید سراغی نیز داشته باشند و این آغاز همانا مقابر صخره ای مادهاست . در این جا در تایید گفتار پروفیسور ارنست هرتسفلد باستانشناس نامی المان باید گفت که مقابر صخره ای مادها در کردستان و قسمتی از خاک عراق حالیه متعلق به قرون نهم تا ششم ق.م است . مقبره فخریکا که در شمالی ترین نقطه قرار دارد قدیمی تر از همه و صحنه و دکان داوود و پشت سر آن قیزقاپان از یک طرف و داددختر از طرف دیگر جدیدتر می باشند .

دکتر هوبرتوس فن گال آسیستنت شعبه انستیتو باستان شناسی المان در تهران خلاف عقیده هر تسفلد را اظهار کرده و نوشته است که مقابر هخامنشی نقش رستم سرمشق مقابر غربی ایران بوده و ان ها متعلق به دوره هخامنشی بعد از داریوش و خشایار شاه می باشد و این مقابر با طریقه دفن مذهب زردشتیان در بالای کوه ارتباط دارد .

در اینکه این مقابر با طریقه دفن کردن مردگان مذهب زردشتیان ارتباط دارد کسی را شک نیست ولی این نه بدان معنی است که این مطلب فقط از زمان هخامنشیان مرسوم بوده است . طریقه مردگان را بالای کوه نهادن و دیگر مراسم مدت زمانی دراز قبل از هخامنشیان معمول بوده است و حتی مقداری از این مراسم را اقوام هند و ایرانی از اقوام

بومی فلات ایران گرفته اند . در اینجا برای روشن شدن لغت دخمه و طریقه دفن در آن زمان ها قسمتی از نوشته دکتر مهرداد بهار را نقل می نمائیم :

رسم جنازه پیش پرندهگان افکندن از کسپیان ها گرفته شده است .

سکه ها مردگان خویش را در دخمه هایی که به صورت تپه های کوچکی در می آمد با خدم و چشم به خاک می سپردند . ۲- هندوان مردگان خویش را می سوزاندند . ۳- در میان زردشتیان واژه گورستان دخمه است . واژه ی دخمه هر چند اطلاق به محوطه بازی می شود که گرد آن دیوار است و مردگان را در آن در زیر آسمان قرار می دهند تا پرندهگان گوشت ها را بخورند و خورشید استخوان را پاک کند . ولی خود واژه مسائلی چند را روشن می کند .

از طرفی دخمه در زبان فارسی به معنی حفره تنگ و تاریک است و ثانیاً این واژه از ریشه *daj* به معنی سوزاندن است . با توجه به مراسم سکایان و هندوان معنی واژه ی دخمه و ریشه ان می توان معتقد شد که ظاهراً در دورانی قدیم هند و ایرانیان مردگان خود را در محوطه ای بسته می سوزاندند و در دوره های بعد رسم سوزاندن نزد هندوان و رسم در دخمه نهادن توسط سکایان حفظ شده است و ایرانیان تنها واژه را حفظ کرده اند . وجود گورهای هخامنشیان نیز به نحوی معرف وجود دخمه ها به معنی امروزی واژه ی دخمه است . اما اینکه چه موقع ایرانیان این رسم کسپیان را پذیرفته اند باید ان را به همسایگی مادها و کسپیان جست و ظاهراً نخست این رسم در میان مغان ، که ظاهراً طبقه ی روحانیون مادی را تشکیل می دادند ، مرسوم شد و پس از ان که اداره ی دین زردشت

(ظاهراً از اواسط دوران هخامنشی) بدست مغان افتاد، در دین زردشت نیز اندک اندک راه یافت. مدارک باستان شناسی اشکانی نشان می دهد که هنوز در دوره ی اشکانیان این رسم در ایران عمومیت نداشته است و تنها از دوره ساسانیان است که با عمومیت بخشیدن اجباری دین زردشت در ایران این رسم کسپیان، که به مغان سپرده شده بود، آئین عمومی ایرانیان گشت.

بنابراین ملاحظه می گردد که این رسم قبل از هخامنشیان نیز معمول بوده و مغان آن را اجرا می کردند و هنگامی که اداره دین زردشت بدست مغان افتاد آن ها این رسم را در دین زردشت نیز وارد کردند. پس مغایر صخره ای غرب ایران خیلی راحت می توانند به قبل از هخامنشیان تعلق داشته باشد زیرا عادت مرده بالای کوه گذاشتن خیلی قدیمی تر از زمان هخامنشیان است علاوه بر تمام اینها به دلیل بسیار ساده سبکی و معماری می توان همانطوریکه بالاتر اشاره شد اظهار داشت که به همان شکل که اجتماع هخامنشیان نسبت به اجتماع مادها بسیار پیشرفته تر است به همان نسبت نیز معماریشان نسبت به آن ها پیشرفته است و این از خود فیزیک این معماری نیز هویدا است.

در اغلب مقابر صخره ای غرب ایران که قدیمی تر هستند ستون های محل ورودی عمق و حجم دخمه را مشخص تر گردانیده است. در صورتی که در دوره های بعدی مسئله نشان دادن عمق کمتر مطرح بوده و بیشتر جنبه ایلوزیونیستی مورد توجه بوده است بدین سبب ستون ها در دو طرف ورودی به شکل نیم بر جسته منعکس گردیده و بدین وسیله ایلوزیونیسم که یکی از عوامل معماری بعد از هر نوع سبک کلاسیکی است

تظاهر نموده و یک نوع باردک به وجود آمده است یعنی در حقیقت مقابر صخره ای غرب اولین مقابر و شکل کلاسیکی آن را نشان می دهند در صورتی که مقاب هخامنشی نوع بعدی و شکل باردک را و این باردک از همان قیزقاپان آغاز گردیده است ولی آرامگاههای هخامنشی بحد اعلا ی ایلوزیون و ظرافت خود در معماری رسیده اند .

و اما اظهارات هر تسفلد درباره الهام گرفتن معماری صخره ای ایران از معماری صخره ای پافلاگون صحیح نبوده و دکتر فن گال در این مورد حق دارد که می گوید این دو معماری با هم از نظر سبکی متفاوت و علاوه بر ارفلاگون به هیچ وجه عنوان قدیمی تر از قرون دوم و سوم میلادی نیست .

بنابراین به عکس نظر هر تسفلد و در تایید نظر دکتر فن گال باید گفت که نه تنها معماری صخره ای هخامنشی تحت تاثیر پافلاگون نمی تواند باشد بلکه قسمت مهمی از نقوش برجسته و ستونهای مقابر پافلاگون نیز تحت تاثیر معماری صخره ای ایران قرار گرفته است .

علاوه بر این گفتار پروفیسور هر تسفلد خود متناقض است با اظهارات دیگرش در مورد اینکه مقابر مادها یک منزل مسکونی ایرانی را در نظر مجسم می دارند . بنابراین باید ریشه مقابر صخره ای را در نقشه خانه های روستائی ایرانی جستجو کرد .

دیاکرنوف عالم برجسته شوروی اظهار می دارد که تجزیه و تحلیل معماری پادشاهی تخت جمشید و مقبره های صخره ای غرب و جنوب ایران ما را متوجه این نکته می سازد که اساس و شالوده این ابنیه ، یک خانه عادی ایرانی است که اکنون نیز آثار آن در خانه

های روستایی ایرانی و ماورای قفقاز و آسیای میانه دیده می شود (تاریخ ایران باستان ص ۱۸۱ تا ۱۸۳).

در این صورت اگر بخواهیم معماری صخره ای مادها و هخامنشیان را تجزیه و تحلیل کنیم باید سراغ خانه های روستایی و به خصوص صخره ای را بگیریم و بالقوه توجه مان به یگانه مجموعه مسکن صخره ای روستایی ایران یعنی میمند جلب می گردد. میمند یکی از مسائل بغرنج معماری صخره ای است و به حق باید آن را محل تظاهر مآمن معماری صخره ای محسوب نموده و در انتظار حفاری این محل باقی ماند.

درست است که غارهای طبیعی به عنوان مدل اولیه برای ما زندگان روستای میمند مورد استفاده قرار گرفته ولی در این ناحیه تا به حال کسی به غار طبیعی برخورد ننموده است.

میمند با سنگ چینی های معماری کرت و موکنه و حفره های ساردنی و اسپانی و دلفی و همچنین بلوک های سنگی استون هنج و دلمن و معابر هنری که در کنار کوه ساخته شده اند اختلاف بسیار دارد. گروه و بقیه نقاط آسیای کوچک در غرب ایران و همچنین بامیان و اجانتا در شرق و لالی بالا و داگورد و افریقا بکلی با میمند تفاوت دارند میمند یک مجوعه مسکن واقعی و یک پارچه انسانی است میمند شاهکاری از معماری صخره ای روستائی است که در سراسر کره عرضی بدون همتاست.

گذشته از طاق بستان و طاق گیرا در بعضی از نقاط ایران در دوره های بعدی به حفره ها و طاقنماها و یا اصولا ساختمانی در دل کوه بر می خوریم که مسلما در اصل

متعلق به دوره ساسانی بوده و بعداً تغییراتی در جهت مذهب اسلام به آن ها وارد آمده است مانند مسجد سنگی داراب ، طاقنمائی در اصطهبانات شیراز و مسجد در اذر شهر اذربایجان.

د- علل انتخاب محل و تمرکز در میمند :

در مناطق فارس و کرمان اغلب روستاها مجتمع و متمرکز هستند میمند نیز روستائی است متمرکز . ولی به مناسبت معماری یکپارچه و یگانه خود در شکم طبیعت بالاجبار این تمرکز با دیگر روستاها اختلاف دارد .

مجملاً علل تمرکز و انتخاب این محل را برای مسکن شرح می دارد :

موقعیت طبیعی تپه ها و شکل هندسی در روستای میمند .

در سمت راست رودخانه سه دره و تپه کوچک مشخص است که قسمت اصلی ده را تشکیل می دهد خانه های اصلی و مورد مطالعه ما در سینه این دو تپه ساخته شده اند . در سمت چپ رودخانه طی از کوه ، تپه ها و دره های کوچک فرعی ایجاد نموده که در شکم آن ها نیز قسمت کوچکتر روستا نمایان است .

در قسمت اصلی ده به یک دره کوچک مثلث شکلی برخورد می کنیم که تقریباً پایه آن قسمتی از رودخانه ورائش یک تک درخت که منتهی الیه روستا قرار دارد و ضلع چپ آن بدنه صخره ای است که یک برآمدگی بزرگ به شکل سوسماری عظیم ایجاد کرده است . همین مثلث و قسمتی از منحنی بر جاده داخلی مرکز داغ روستا و یکی از علل طبیعی - هندسی این تمرکز است . و در اینجا به محل سکونت نقش مهمی را داشته است.

مهم اب در میمند نیز مانند اغلب روستاهای ایران مهمترین مسئله حیاتی و عمده می باشد بنابراین انتخاب محل در کنار رودخانه امری طبیعی به شمار می رود . (در اینجا شاید این مسئله نیز دخالت داشته باشد که در ائین مهرپرستی محل سکونت و محرابه ها باید در کنار رودخانه ای قرار بگیرند) علاوه بر آن چشمه ای که در کنار رودخانه است در این امر دخالت مستقیم دارد .

در میمند از همان بدو امر قنات های متعدد حفر گردید تا اینکه اب از گزند تبخیر در برابر خورشید محفوظ مانده و هم چنین از فرورفتن ان در اعماق زمین ممانعت گردد . زیرا در میمند نیز چون نواحی کوهستانی به علل نفوذ پذیری صخره ها اب در اعماق زمینی فرو رفته و جزء از طریق چشمه ها و حفر قناتها به خصوص هنگامی که باران سالیانه کم باشد بدان دسترسی نتوان داشت .

خصوصیت صخره های میمند سبب شده که مساکن در یک محل و زمینهای زراعی در محل دیگر و باغات و مراتع در محل ثلثی متمرکز گردد . در نتیجه در خود مرکز اصلی روستای میمند مساکن بر گرد یک هسته مرکزی یعنی چشمه و قنات در کنار رودخانه گرد آمده اند .

مهم دفاع نیز یکی از مسائل اساسی انتخاب محل و تمرکز در میمند است .

از دیرزمان چادرنشینان شرق به حوالی خوش اب و هوا و کوهستانی ایران هجوم آورده و مردم مسکونی ان نقاط را در فشار قرار می دادند مردم بومی برای دفاع از خود در مورد قتل و غارت بیگانگان و یا اینکه دفاع در مقابل لشکرکشی های اقوام دیگر مجبور به

ساختن پناهگاههای متعددی می کردند . برای مثال میتوان از پناهگاههای متعدد حدود مرزهای ایران و افغانستان ، کوههای هندوکش و پناهگاههای کوههای زاگرس ، محل قبایل کرد و لر یاد کرد .

سازندگان میمند نیز ی شک از اقوامی بودند که نمی توانستند فرمانروایی دشت نشینان و یا شهرنشینان و غارت و تاخت و تا زانان را بر خود هموار سازند و بدین مناسبت در میان کوههای پرفراز ونشیب و پرچین وشکن و بریدگی های متعدد ان برای خود پناهگاههایی به وجود اورند تا در پناه صلح و صفا زندگی را سپری کنند .

از انجائی که دشت محل امیزش و به هم پیوستن مردم گوناگون بود و کوهها بخشهای جداگانه و در بسته ای داشته که در ان مذاهب مختلف ، سنتها و مراسم دور از میدان بزرگ وقایع تاریخی بی گزند بر جای می مانند سازندگان میمند نیز به خصوص این محل پرت و دور از غوغا را انتخاب کردند دشوار باشد و انان را از گزند دشمنان مصون داشته و سنن خانوادگی و مذهبی شان (احتمالا ائین مهرپرستی) حفظ گردد .

بنابراین شگفت نیست اگر بسیاری از مردم میمند هنوز بکر و دست نخورده باقی مانده اند زیرا با مردم اقوام دیگر امیزش نیافته اند .

مردمی که این محل را برای مسکن و یا پناهگاه انتخاب کردند کاملا در کار خود موفق گردیده اند زیرا موفقیت طبیعی ان برای دفاع بسیار مناسب است .

ابتدای میمند یعنی محل ختم جاده شهربابک - میمند و سرحد ورودی روستای میمند که ان را کلو گاه می نمائیم از نقاط استراتژیکی جالب می باشد به قول خود

میمندی ها اگر در این نقطه دو تفنگچی در دوطرف رودخانه مستقر شوند به خوبی خواهند توانست از ده دفاع نمایند . ضرورت دفاع در مقابل دشمن و عوامل طبیعی نامسائد باعث ساختن قلاع متعدد در خود میمند و اطراف گردیده و در رشد و تمرکز آن موثر بوده است .

به خصوص قلعه ای که بر روی بر آمدگی سوسمار مانند قرار گرفته دارای دیدی مسلط بر تمام ده و همچنین کلوگاه است و از این ناحیه می توانند کلوگاه روستا را زیر دیده بانی داشته و به محض خطر تمامی ده را تجهیز نمایند .

در اینجا باید متذکر شد که یکی از علل تمرکز شاید همراهی های مهرپرستان باشد به دین معنی که ابتدا این ناحیه همراهی هایی کنده شده است و سپس مردم چون این ناحیه را از هر جهت برای مسکن مناسب یافتند از روی نمونه این همراهی مجموعه میمند را به وجود آورده اند در هر حال قبل از حفاری تئوری های فراوانی می توان داشت .

ه – میمند از ارگانیک ترین مجموعه های مساکن :

یکی از خصوصیات مهم این مجموعه آن است که خانه ها نسبت به موقعیت طبیعی تپه ها ساخته شده است .

فوقا اشاره شد که موقعیت مناسب طبیعی میمند برای دفاع یکی از علل انتخاب این محل برای مسکن بوده است . اصولا میل به زندگی اجتماعی بیشتر جنبه دفاعی دارد . روستائیان میمند علاقه به زندگی دسته جمعی دارند تا بتوانند در مقابل حیوانات وحشی ، انسان های مهاجم و طبیعت ناسازگار مقاومت ورزند گذشته از آن که موارد

اشتراک و تقسیم آب ، برداشت محصول و بافتن قالی و تعلیم ان نیز آنان را هرچه بیشتر به زندگی دسته جمعی ترغیب می نماید در این بین مهوریت روستا را نیز نمی توان ندیده گرفت .

همه این مطالب و آنچه بیشتر در فصل های پیش مورد بحث قرار گرفت سبب گردید که میمندیها از یک امر طبیعی مشترک یک زبانه باریکی که مانند خطی گرداگرد تپه ها را فرا گرفته استفاده نموده و حد فعالیت ساختمانی خود را به انجا ختم نمایند . همین حد و مرز خانه ها که معمولا از کف دهستان آغاز می گردد سبب به هم پیوستن و یکپارچگی واحدهای ساختمانی گردیده و علت العلل ان جنس سنگی است که بالای این زبانه قرار گرفته و بسیار کم مقاومت است .

یکپارچگی معماری در میمند باعث به وجود آمدن یک سازمان یک پارچه اجتماعی یک سطح فرهنگی یک پارچه ، یک نوع مالکیت واحد و اقتصاد واحد شده و ان را به عنوان استثنائی ترین روستاهای ایران معتبر و با ارزش گردانیده است .

در گلوگاه یعنی آغاز دهستان ، بر جاده داخلی و اصلی روستا و به خصوص بعد از مدرسه قدیمی که روی آکس یک قرار دارد کوچه ها رو به مغرب ساخته شده و در ان ریتمی ارگانیک رعایت گردیده است . به خاطر ایستالی و مقاومت ، خانه ها روی یکدیگر کنده نشده بلکه اگر سه خانه را بر روی یک خط مستقیم فرض نمائیم دو خانه در وسط و بالا و دو خانه دیگر در وسط و پائین ان ساخته شده اند بدین شکل فضا در خانه های متعدد به یکدیگر نزدیک شده و در نتیجه صخره قدرت مقاومتش بیشتر خواهد شد این

مسئله را کاملاً می توان روی آکس دوم مشاهده نمود . در این قسمت به مناسبت شیب ملایم تر تپه تعداد کوچه ها زیادتر و طول ان ها بیشتر است .

بعد از آکس دوم هر چه بیشتر به درون روستا میگرائیم شیب تپه تند تر گشته تا اینکه در نزدیکی راس مثلث فرضی یعنی تک درخت بریدگی کاملاً عمودی مشاهده می گردد . در این قسمت که شاید یکی از قدیمی ترین نقاط میمند باشد در اثر تابش نور کمتر زندگی تقریباً مرده و خانه ها اغلب متروک و یا مبدل به طویله گشته است .

در دو طرف راس مثلث فرضی به مناسبت قائم بودن صخره ها خانه ها بدون ایجاد کیچه مستقیماً در دل کوه کنده شده اند بلافاصله بعد از تک درخت روی ضلع دیگر مثلث مجدداً شیب تندی با چند خانه آغاز و سپس به تدریج ملایم شده و دوباره کیچه ها آغاز می گردند .

بعد از طی چند کوچه آکس سوم ما قرار گرفته است . این آکس در شمال میمند قرار گرفته و تعدادی از خانه های ان دو طبقه هستند در این نقطه تمرکز جمعیت بیشتر است زیرا بیشتر نور می گیرد . علت وجود خانه های دو طبقه علاوه بر استفاده بیشتر از نور خورشید دفاع بهتر در مقابل هجوم دیگران است زیرا که اگر به اهالی حمله ای می شد ان ها به طبقات بالای خانه ها پناه برده و نردبان ها را به داخل کشیده و دیگر کسی به ان ها دسترسی نیافته و در امان می ماندند .

بالای آکس سوم بدنه صخره چون سوسماری روی روستا مسلط گردیده و یک برآمدگی بزرگ ایجاد کرده است . زیرا این برآمدگی تعداد زیادی کوچه روی شیب ملایم تپه ایجاد شده است .

درست در مقابل سر سوسمار و همچنین سمت شمال آن چند خانه متروک مانده که به علت ریزش کوه تا اندازه ای ویران شده و سکونت در این ناحیه را خطرناک نموده است . خانه های سمت چپ رودخانه عمقشان کمتر و شیب های تپه های کوچکشان ملایم تر است در نتیجه محیط نسبت به اشل خانه هایش بازتر است و به همین مناسبت استحکام و مقاومت صخره ها در مقابل باد و باران و سیل و نور خورشید کمتر است زیرا در معرض مستقیم تماس آنها قرار گرفته و همین مطلب سبب ویرانی تعداد زیادی از خانه ها گردیده است .

نور خورشید به تمامی روستا یکنواخت نمی تابد . اوائل میمند و رودیها غربی هستند یعنی از نور بعد از ظهر و در ضلع چپ مثلث و رودیها تقریبا جنوبی یعنی از نور صبح استفاده می شود . نور در بقیه نقاط ده بینابین نسبتا ضعیف تر است . بالای کوچه ها و روی شیب تپه ها جاده های فرعی کوچک برای عبور و مرور انسانها و حیوانات ایجاد شده که خود ریتمی منظم روی سطوح خارجی روستا ایجاد کرده اند .

همچنین مسیرهایی روی شیب تپه ها ایجاد شده تا اب باران را به تدریج از بالا به پائین به داخل رودخانه هدایت نماید .

مجموعه میمند چنانکه گفته شد دارای وحدت فیزیکی است و این وحدت در درجه اول به وسیله کیچه های آن ایجاد شده است میمند در حقیقت مجموعه ای است از کیچه ها که معمولا از سطح تپه آغاز گشته و تقریبا به استثنای کوچه های آکس دوم اغلب به کوه عمود هستند .

برای حفر کیچه ها ابتدا بر روی زمینی سنگی رسوبی دامنه مورب دره مثلثی حفر کرده و به تدریج از راس به قاعده پیش می روند به این ترتیب کوچه ها اغلب با دیواره هایی به ارتفاع ۳ تا ۵ متر به وجود آمده و در قاعده آن ها ایوان و سپس اطاق ها کنده می شوند .

در سمت راست رودخانه که حوزه اصلی عملیات ماست در حدود ۲۳۰ کیچه وجود دارد که معمولا نقش حیات را در میمند به عهده دارند . در ابتدای هر کوچه توالت قرار دارد که مابین خانه های اهالی آن کوچه مشترک و سکوئی برای خشک کردن فضولات نیز در آن تعبیه شده است . در اطراف کوچه ها سنگ چینی های ایمنی بوجود آمده تا از ریزش خاک و سنگ ممانعت به عمل آید .

میان واحدهای عمومی روستای میمند (حمام ، مدرسه ، مسجد و تکیه) حمام از ارگانیک ترین واحدهای ساختمانی آن است . مدرسه ، مسجد و تکیه ابتدا واحد مسکونی بوده و سپس در آنها تغییراتی ایجاد شده و به صورت فعلی در آمده اند ولی حمام قدیمی روستای میمند فقط به خاطر حمام ساخته شده و تا میانه سال ۱۳۵۰ نیز مورد استفاده بوده است .

پس از طی چند متر از آغاز روستا زیر جاده اصلی داخلی در حدود مرز تپه و دره و روبه مغرب ورودی حمام قرار دارد . در حمام سه فضای مشخص و مستقل می توان تشخیص داد . فضای ورودی ، فضای سربینه و فضای داخلی .

پلان ورودی تقریبا دوزنقه ای را تشکیل می دهد با قاعده و ارتفاع ومتر .

ارتفاع فضای ورودی به چند متر می رسد و روی دیواره های آن نقوشی کنده شده که مطلب معینی را مشخص نمی دارد . یک درگاه کوتاه فضای ورودی را به سربینه وصل مینماید . در سه طرف سربینه سکوی کوتاه و کوچک و متفاوت الاندازه ای قرار گرفته که حمام گیرندگان پس از استحکام برای خشک شدن بدن بر روی آنها می نشینند .

این سکوها هم چنین نقش رختکن را ایفا می نمایند در و سط سربینه حوضچه مدوری تعبیه شده که برای ای کشیدن پاها مورد استفاده قرار می گیرد .

در منتهی الیه شمالی ، درگاهی سربینه را به فضای اصلی حمام مرتبط می دارد .

سمت راست فضای اصلی حمام هنگام ورود محوطه ای ملاحظه می گردد که استحمام کنندگان بر روی آن دراز کشیده و دلاک ها ان ها را کیسه کشیده و شیستشو می دهند . بر روی این محوطه نورگیری مرتفع مشاهده می گردد بر روی ان سنگ قبری از مرمر ترانسپارانت قرار گرفته که نور را به داخل حمام هدایت می نماید . در سمت چپ پلکانی تعبیه شده که انسان را به خزینه اب گرم راهنمائی و روی خزینه نیز نورگیری تعبیه شده است . بنابراین فضای اصلی حمام از دو نقطه نور می گیرد .

در منتهی الیه شمالی ، حوضچه مستطیل شکلی قرار گرفته که اطراف آن به وسیله سنگ های روی قبر گورستان قدیمی پوشیده شده است .

در این حمام سعی شده که فضاها مستقل و فقط در محلی که می بایست اجبارا با فضای دیگری ارتباط حاصل نماید بر روی آن باز گردد هر یک از اعضای معماری در جای صحیح خود قرار گرفته و به این ترتیب ترکیب مفید مطبوع و موثری را به وجود آورده است .

حمام قدیمی میمند در اواخر سلسله صفویه ساخته شده و سنگ قبرها می تواند گواه این مطلب باشد . مدرسه قدیمی میمند از تلفیق و گسترش یک خانه بزرگ و دو خانه کوچک تشکیل یافته است . کیچه ای به طول تقریبی ۱۴ و عرضی از ۱/۲۵ تا ۴/۵۰ و ارتفاع ۳/۳۰ متر در داخل کوه کنده شده است پس از طی ده متر در داخل کوچه فضائی در سمت راست باز شده به ابعاد فرضی ۳/۳۰ در ۲/۱۰ و ارتفاع تقریبی ۲ متر که از آن به عنوان دفتر مدرسه استفاده می شده است . تقریبا مقابل همین فضا در سمت چپ کوچه را هی به یک کلاس و در حقیقت خانه دیگر باز شده است . در انتهای کوچه ایوان مانندی به ابعاد متوسط ۴/۵۰ در ۵/۳۰ متر ایجاد شده که در سه جانبش سه کلاس به ترتیب از سمت راست با پیرامون فرضی ۴/۳۰ ، ۴/۳۰ ، ۴/۵۰ ، ۵ متر و ۵/۲۰ ، ۴/۸۰ ، ۴/۷۰ ، ۲/۷۰ ، ۱/۸۰ و ۵/۱۰ و ۰/۶۵ ، ۱/۳۰ ، ۱/۷۵ ، ۳/۶۰ ، ۲/۴۰ متر در داخل کوه کنده شده است .

در سمت چپ کوچه ای به طول $5/40$ متر حفر شده که در انتهای آن فضای با پیرامون فرضی $4/50$ ، $3/20$ ، $4/10$ ، $2/10$ ، $2/40$ متر تعبیه شده است همانطوریکه که فوقاً اشاره شد این فضا با کوچه اصلی ارتباط دارد .

در سمت راست مدرسه کوچه ای با طول 6 متر تا درگاه کلاس و سپس فضای به پیرامون $4/90$ ، $3/50$ ، $4/35$ ، $3/80$ متر ایجاد شده که کاملاً استقلال خود را حفظ کرده است .

در داخل بعضی از اطاق ها طاقچه هائی تعبیه شده است که مشخص کننده حالت مسکونی این فضاهاست . از هنگام تبدیل این خانه به مدرسه در بعضی از کلاس های آن بخاری نصب شده و سقف را جهت لوله آن سوراخ کرده اند تا لوله به خارج از کلاس راه یابد . مسجد نیز مولد تغییراتی است که در یک واحد مسکونی بزرگ انجام شده است .

ابتدا کیچه ای به طول حدود 11 و ارتفاعی تا $3/40$ متر حفر شده که در ابتدا و دو طرف آن دو سکو ایجاد شده که اطرافش را سنگ چینی نموده اند و شاید نقش حیاط را در مسجدهای اسلامی ایفا بنماید .

در انتهای کوچه ایوانی به عمق $2/40$ و ارتفاعی تا حدود $2/90$ متر ایجاد که سمت راست آن را فضای کوچکی با ابعاد 3 در $2/70$ متر برای انبار و سمت چپ آن را کفش کنی فرا گرفته است .

در ورودی شبستان مسجد اخیراً مبذل به دری فلزی گردیده که هیچ گونه هماهنگی با این واحد ساختمانی نمی تواند داشته باشد .

فضای بزرگ مسجد مسلماً ابتدا بسیار کوچکتر بوده و از روی سقف آن می توان تشخیص داد که تا چه حد وسعت یافته است . پیرامون مسجد با ابعاد فرضی ۶/۳۰ ، ۹/۸۰ ، ۷/۵۰ ، ۴/۶۰ ، ۴/۱۰ متر و ارتفاع از ۱/۸۵ تا ۲/۲۰ متر مشخص می شود . در اثر خالی نمودن میانه دیوارها در داخل شبستان سه ستون ایجاد شده با ارتفاع حد متوسط ۲ متر که سمت چپ آن ها محرابی با ابعاد ۱ در ۱/۱۰ تعبیه گردیده است .

از تاریخ تبدیل این مسجد شاید از حدود دو قرن تجاوز نماید و بدین منوال می توان دریافت که تکیه میمند نیز از ترکیب چند خانه به وجود آمده و از همه این واحدها جوان تر است .

خانه های میمند نمونه واقعی مسکن به شمار می آیند زیرا نمودار و نمایشگر مبارزه و مقابله انسان با طبیعت هستند . نظری به مجموعه خانه های میمند این مطلب را ثابت می نماید که معمار ، حجاران میمندی اصول جغرافیای مسکن را که عبارت از انطباق مسکن با پیرامون خود در زمینه انواع مصالح و مواد ساختمانی ، در زمینه فرم و شکل و محتوای فضای داخلی و اجزاء آن می باشد ، کاملاً رعایت کرده و در مبارزه با طبیعت و در خدمت آوردن آن به پیروزی بزرگی نائل گردیده اند .

از طرفی فرم مسکن در میمند به خاطر در شکم طبیعت بود نش با فرم مسکن بقیه روستاها متفاوت است و به این مناسبت فاقد بعضی از عناصر مساکن عادی است برای مثال حیاط در مجموعه میمند وجود ندارد و نقش آن را کیچه که وظیفه اصلی اش حفظ ارتباطات است ایفا می نماید .

در خانه های میمند به مناسبت طبیعت سنگی بود نشان باغ و باغچه ای وجود ندارد . خانه های میمند پیچیده ترین شکل مسکن را تشکیل می دهند زیرا محل زندگی همه موجودات و محل تولید در یک جامع شده است .

در خانه های میمند طویله و خانه در کنار یکدیگر است گاهی اوقات حتی حیوانات کوچک از قبیل مرغ ، بزغاله ، بره و گوساله را در اطاق نشیمن خود نگهداری می نماید . در روستاهای عادی در مورد طویله بر حسب خانه های پراکنده و متمرکز دو قسم عمل می کردند فضای طویله در خانه های پراکنده که به ندرت دیده می شوند یکی از فضاهای فرعی خانه را تشکیل میدهد البته با رعایت جهت وزش باد و وضع قرا دادن پنجره های آن ، در صورتی که در خانه های متمرکز چسبیدن طویله به خانه اغلب اشکالات مهمی را تولید نموده و کاملاً غیر بهداشتی است .

در قلعه هائی چون ارگ بم ، اصطبل و طویله کاملاً جداگانه بنا شده ولی در میمند طویله به خانه متصل است و البته از نظر رعایت نکات بهداشت مسکن صحیح نیست . زیرا فضای استراحت ، فضای گردش ، محل تغذیه و دفع حیوان همه در یک جوار مستقیم فضای زندگی انسان است .

با تمام این احوال توپولوژی خانه ها و هم چنین وحدت اقتصاد بسته میمند فعلاً اقتضای آن را دارد که طویله ها در کنار خانه ها قرار گیرد .

در خانه های روستاهای معمولی هر خانواده به طور متوسط در یک اطاق با مساحت ۸ متر مربع زندگی می کنند در صورتی که میمندیها از این حیث در رفاه هستند و حد

متوسط مساحت یک نشیمن ۲۰ متر است اگرچه در مجموع یعنی با محاسبه حیاط و غیره میمندی ها در مقایسه با اهالی روستای معمولی در حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ متر وسعت دارد در صورتی که حد متوسط یک خانه صخره ای میمند با محاسبه کیچه ان از حدود ۸۰ متر تجاوز نمی نماید . نوع معیشت و اقتصاد بسته روستای میمند در جهت به وجود آوردن فرم فضاهای داخلی و تعیین اجزاء و بخشهای ان نقش اصلی را به عهده دارد .

هر خانه به طور کلی دارای سه فضای جداگانه است و این فضاها به ندرت با یکدیگر ارتباط درند . ایوان در انتهای کیچه و بلافاصله بعد از ان قرار گرفته و به وسیله درگاه کوتاهی به محل نشیمن متصل است . در دوطرف اطاق نشیمن طویله و انباری تعبیه شده اند . بعضی از اطاق های نشیمن البته همانطوریکه فوقا اشاره شد به ندرت به طویله و انبار دو طرفشان ارتباط دارند . در بعضی از خانه ها طویله ها مابین خانواده های ساکن یک کیچه مشترک است .

در بعضی از کیچه ها تا ۸ الی ۹ اطاق مشاهده می گردد . در این مورد ایوان تقریبا به منزله هال مشترک است برای ۸ الی ۹ اطاق خواب . در بعضی از این ایوان ها و یا هال ها مشترک اجاق مشترکی نیز تعبیه شده است .

در هر حال ولی از فضاهای دو طرف به ندرت برای اطاق نشیمن استفاده می شود زیرا که کمتر نور می گیرد . نور فقط از در ورودی وارد خانه می شود و در حقیقت نوری است غیر مستقیم زیرا ابتدا باید از کیچه و ایوان گذر کرده و سپس وارد فضای نشیمن گردد . هنگامی که نور به حد اعلی خود می رسد یعنی زمانی که خورشید در مقابل کیچه

قرار می گیرد حداکثر نور ممکنه وارد فضای نشیمن می گردد و این نور در هر حال کافی نیست و در ایت هنگام است که فضای مادی اطاق نشیمن مبدل به فضائی اسرارآمیز و فانتزی می گردد .

ارتفاع ورودیها به طورمتوسط $1/35$ متر است و بعضی از آنها با قوسی شکسته صخره ای تزئین گردیده اند . این قوسهای جناقی و هم چنین مثال های دیگری در قلعه دختر و قلعه اردشیر کرمان و دیگر نواحی ایران می رساند که قوسی شکسته در معماری دوره ساسانیان به حد وفور مشاهده شده وبعد ها یکی از عناصر اصلی و محبوب معماری اسلامی گردیده است .

در ورودی از چوب ساخته شده و اغلب به وسیله کلون باز و بسته می شود . در کنار در ورودی و اغلب در سمت راست آن حفره ای ایجاد شده که از داخل آن می توان کلون در را بوسیله کلید چوبی باز و بسته نمود .

پلان خانه ها اغلب نامنظم ، گاه تقریبا مستطیل و دوزنقه و گاه تقریبا مدور است ابعاد متوسط اطاق های نشیمن متناوب $3/50$ الی 4 در $5/50$ الی $6/50$ متر است . ارتفاع اطاق ها اغلب یکسان و در حدود 2 متر است .

در انتهای فضای نشیمن و گاهی اوقات در نقاط دیگر آن سکوئی به عرض 60 الی 70 و ارتفاع 15 سانتی متر وجود دارد که به اصطلاح شاه نشین بوده و فعلا برای محل قرار دادن اثاثیه منزل از آن استفاده می نمایند گاهی اوقات پشت این شاه نشین ها فضای

صندوق خانه ماندی تعبیه شده است . بر روی دیواره اطاق ها اغلب طاقچه و رف ایجاد شده و از آنها برای نهادن چراغ ، اثاثیه کوچک و یا حتی اشیاء تزئینی استفاده می گردد .

در مرکز اطاق نشیمن و نزدیک و مقابل در ورودی اجاق مستطیل شکلی تعبیه شده است (گاهی اوقات همانطوری که فوقا اشاره شد اجاق در ایوان کنده شده است) . از قدیم اجاق خانواده به عنوان مرکز اتشی و حرارت مسئله ای حیاتی در خانه های روستائی به شمار می آید . در میمند اجاق در واقع کانون فعالیت های گرم منزل است .

میمندها به ندرت از نفت استفاده کرده و سوخت عمده ان ها چوب و ذغال است چه برای پخت و پز چه برای تولید حرارت . دود حاصله از این سوخت به هدر نرفته بلکه در فضای داخل اطاق منتشر و کمک به دفع حشرات نموده و علاوه بر ان برای خشک کردن مواد غذایی و همچنین دوده کردن ان ها به کار می رود ولی از جانبی برای بهداشت اهالی مضر است . در اثر این دود قشر سیاهی از دوده بر روی دیواره و سقف خانه ها نشسته است اگر چه اتش سوزی بزرگی نیز در به وجود آمدن این قشر سیاه بی تاثیر نبوده است .

در میان اثاثیه بسیار محقرانه منازل میمندی ها گاهی اوقات به بعضی از خمره های بسیار بزرگ دوره های اوائل اسلامی برخورد می نمائیم که هنوز مورد استفاده بوده فعلا کمتر است ثروت ان زمان میمندی ها را در مقابل فقر حالیه شان روشن می دارد . در اغلب منازل تیرک های قالی بافی وجود دارد که بیشتر نزدیک در ورودی و در متداد ان قرار گرفته تا بتوان از روشنائی روز برای بافتن قالیچه استفاده نمود .

کار بسیار دشوار و با ارزش معمار ، حجاران ایرانی در میمند حقیقتاً از دیدگاه هنر قابل تامل است زیرا با وسائل محدود آن زمان که بیشتر از دیلم برای کندن کوه استفاده می شده به وجود آوردن چنین مجموعه بزرگی کار ساده ای نبوده و حتماً با پیش بینی ها و حسابگری های علمی سرانجام پذیرفته است .

در میمند هنر حجاری در خدمت مسکن قرار گرفته و ملاحظه می شود که هر عنصر معماری به خاطر عملکردی موجودیت یافته است در اینجا معماری ارگانیک با حد اعلی فونکسیون خود تجلی کرده است .

۳- لزوم شناسائی میمند در سطح وسیع به خاطر عمران و آبادی آن

منطقه

فیزیک اساسی فرم شهر از روستا الهام گرفته و بدون ترکیب دهکده ها ، اجتماع بزرگتر شهری فاقد یک اساس لازم برای مداومت فیزیکی و تداوم اجتماعی می شد . شهر بدون روستا نمی توانست به وجود آید زیرا کشاورزی و دامداری منشأ زندگی شهری است و به دون فراورده های غذائی آن بشر نمی تواند به زندگی ادامه دهد .

نیاز اقتصادی شهر به روستا با تمام پیشرفت های تکنولوژی هنوز کاملاً مشهود است زیرا فراورده های روستا مورد مصرف فراوان صنایع جدید قرار می گیرد بنابراین شهر بدون وجود روستا و بدون بهره گیری از منابع آن محکوم به زوال و نابودی است در صورتی که

روستا می تواند بدون تکیه به شهر به زندگی خود ادامه دهد زیرا خصیصه ان کشاورزی است .

انقلاب های پی در پی صنعتی در دنیای معاصر چهره و سطح زندگی انسان را در نواحی مختلف و درجه تمتع آنها را از رفاه خاص روزگار جدید متفاوت داشته و اختلاف عظیمی میان نواحی صنعتی و غیر صنعتی و میان شهر و روستا ایجاد کرده است این اختلاف تا بدان حد است که تفاوت میان سطح زندگی شهر و ده به عنوان یک ضابطه ای است در تشخیص درجه پیشرفتگی اهالی آنها و علاوه بر آن تمیزی شهر از ده ، معیارهای متفاوت موجود برای شناخت یک ده نمی تواند مورد قبول علم قرارگیرد . معیار شناخت ده نمی تواند مثلا جمعیت ان باشد . تنها زراعت نیز ملاک نیست فقدان شهرداری و موسسات دولتی نیز نمی تواند مشخصه دهکده ای باشد .

روستا یکی از هیئت های استقرار ادمی و جوشش حیات وی بر روی سطح زمین است یعنی در حقیقت برای شناخت یک روستا باید با علم جغرافیای انسانی رابطه حاصل کنیم و این مطلب اهمیت مسئله را روشن می دارد .

بنابراین نباید از ابراز این عقیده خودداری کنیم که روستا همواره برای بشر اهمیت حیاتی داشته است و از این جهت روستای میمند نه تنها به خاطر روستا بودنش بلکه به خاطر معماری استثنائی اش یکی از مهم ترین روستاهای ایران به شمار می آید .

مسئله عقب ماندگی اهالی روستای میمند واقعیتی است که وجدان ها نمی توانند از آگاهی به آن سرباز زنند ولی بدون شک ارزش اقتصادی و معنوی این دهکده نیز نمی تواند مورد انکار قرار گیرد .

اصولا فرم و فونکسیون مشخصات اصلی مسکن و تولیدات انسانی را تشکیل می دهد در این بین روابط آنها با زمان زندگی و یا عمر ساختمانی می بایست مورد توجه قرار گیرد . ساختمانها از نظر عمر به سه دسته تقسیم می گردند .

دسته اول ساختمانهایی هستند که عمرشان با زمان کارکرد آنها برابر است یعنی ساختمان هنگامی خراب می گردد که دیگر کارائی ندارد . در اینجا استهلاک کامل انجام می شود .

دسته دوم ساختمانهایی هستند که عمرشان کوتاهتر از مدت کارکرد آنهاست یعنی ساختمان هنوز می توانست مورد استفاده قرار گیرد ولی به علل فنی و یا طبیعی زودتر از معمول مستهلک شده است .

دسته سوم عصر ساختمان طویل تر از مدت کارکرد معمولی آن است . یعنی بعلا استحکام مصالح ساختمانی و یا نگهداری و غیره استهلاک به تاخیر می انجامد .

مجموعه مسکن در میمند در گروه سوم قرار دارد . در میمند تقریبا مدت زمان فونکسیون جاودانه و ابدی مطرح است یعنی سرمایه ای ابدی در اختیار اهالی میمند قرار گرفته است . و بدان سبب اگر مجبور نباشند هرگز نمی خواهند این روستا را ترک نمایند .

هر ساختمانی با در نظر گرفتن روابط فوق خود به خود دارای دو ارزش اقتصادی است : ارزش سرمایه ای و ارزش تولیدی . خانه های میمند نیز از این حکم اقتصادی مستثنی نیستند . این خانه ها دارای ارزش سرمایه ای هستند به دین معنی که برای به وجود آوردن آنها مقداری سرمایه (کار و وسایل ان و همچنین زمان) مصرف گردیده است . همچنین دارای ارزش تولیدی هستند یعنی در اثر مسکن گزیدن در ان برای مالک هر خانه تسهیلات زیادتری در جهت نگهداری ، ازدیاد و یا حفظ محصول و همچنین یافتن قالی فراهم آمده و بالنتیجه به درامدش افزوده گردیده است .

بازده ساختمانی خانه های میمند را نمی توان محاسبه نمود ولی می توان گفت که خانه های روستائی میمند بالاترین بازده ها را از لحاظ اقتصادی در میان روستاهای ایران دارا می باشد زیرا بیش از یکهزاره و نیم است مردم نسل اندر نسل در خانه هایی زندگی می کنند که احتیاجی نیست بخاطرش هزینه ای را تحمل نماید . یعنی در حقیقت سرمایه ای بکار افتاده که البته در ابتدای امر از سرمایه گذاری خانه های معمولی بیشتر بوده ولی به طور تقریبا جاودانه ارزش تولیدی دارد .

حالاین سوال مطرح می گردد که چرا از این سرمایه جاودانه هر چه بهتر و بیشتر به نفع مالکین امروزی ان یعنی اهالی میمند استفاده نکرده و وسائل رفاه انان را از طریق همان خانه ها تامین ننمائیم .

آمار سال ۱۳۴۵ نشان می دهد که در ایران ۱۸۴۸۹۹۱ واحد مسکونی روستائی (جمع واحدهای مسکونی روستائی ۲۵۹۷۸۹) وجود دارد که ده سال و بیشتر از ان عمر

نموده اند از این تعداد در حدود ۵۰۰ واحد مسکونی ان به میمند تعلق دارد (اگر سرشماری سال ۱۳۴۵ میمند را نیز در بر گرفته باشد) که بیش از ۱/۵ هزاره عمر دارند این پدیده استثنائی در کمتر نقطه ای از جهان نظیر دارد . یعنی سرمایه ای تقریباً ابدی و جاودانه که متداوما در حال بهره دادن است از نظر جمعیت نیز میمند قابل ملاحظه است بنابراین روستای میمند یکی از با ارزش ترین و نادرترین روستاهای این اب و خاک به شمار می آید و باید به ان توجه گردد .

گسترش فرهنگ در میمند و آشنا شدن اهالی ان با زندگی امروزی نباید هیچگونه نگرانی از نظر دست نخوردگی روستا ایجاد نماید زیرا نوع تغذیه ، وسایل و شرایط زندگانی مردم میمند بستگی کامل به معماری صخره ای مساکن انان دارد . انان توانسته اند به طبیعت مسلط شده و در بطن ان زندگی کنند . میمندی به گذشته هنگامی که تولید افزایش یافت علاوه بر بهبود یافتن زندگی ، فرهنگ و آداب نیز گسترش یافته و مردم از عقب ماندگی نجات خواهند یافت .

هدف هر چه باشد و مقصد را هر چه تعیین کنیم در هر حال باید شناسائی دقیق تری انجام یافته و در کشف دوباره و هر چه عمیق تر روستای میمند هیچگونه تردیدی به خود راه ندهیم .

اصولا علم روستاشناسی در ایران هنوز کاملا تدوین نیافته است . همانند شهرشناسی که ان نیز هنوز از نطفه خارج نگردیده است .

معیار شناسائی شهر و ده فقط مقیاس بزرگ و کوچکی آن نیست بلکه هر یک کاراکتری مخصوص به خود داشته و چه بشا که مسائل روستائی گاهی اوقات وسیع تر و همه جانبه تر از یک جامعه شهری مطرح می گردد .

بنابراین به لحاظ اهمیتی که طرح تحقیقاتی میمند برای اهالی آن دارد و هم چنین به خاطر بهره ای که این طرح از نظر توریسم عاید مردم مملکت ما خواهد نمود می بایست در شناسائی آن تعمق بیشتری رواداریم .

برای شناسائی روستای میمند می بایست معرفت همه جانبه نسبت به محیط طبیعی اکولوژیکی و فرهنگی آن پیدا کرد . باید به این نکته توجه داشت که این معرفت باید واقعا همه جانبه باشد زیرا اطلاعاتی چند در مورد انسان و اجتماع نمی تواند ما را به قضاوتی جامع برساند .

کاراکتر روستای میمند واحدی است مستقل و مجموعه ای کامل ، روش شناخت ما باید طوری باشد که فضای این واحد مستقل را هریک به تنهایی و همچنین در ارتباط با یکدیگر بشناسیم .

مسائل و موضوعات مربوطه جامعه و محیط طبیعی میمند را نمی توان به طریق انتزاعی و تجریدی مطالعه کرد . یعنی این که نباید بدون توجه به دیگر موضوعات و واقعیات به تحقیق در مورد موضوعی تجریدی پرداخت .

برای مثال شناسائی اهالی میمند نمی تواند بدون ارتباط با شناسائی هنر این مردم مورد مطالعه قرار گرفته و وضع اب آن بدون اطلاع از وضع جغرافیایی و طبقات زمینی .

همچنین اطلاع از درآمد سرانه ده میمند ما را وادار می نماید که بسیاری از فعالیت ها و استعدادات مردم انرا مورد بحث قرار دهیم .

در حال حاضر ما مجموعه کلی ده میمند را از نظر معماری و تاریخ هنر و بخصوص از نظر فیزیک و پیکره ان مورد مطالعه قرار دادیم و بعدها در مراحل دیگر دست به شناخت کامل و همه جانبه ان خواهیم زد زیرا این مطالعات می بایست گسترش یافته و عمیق تر گردد . در مراحل اتی جغرافیای انسانی ، جامعه شناسی و امار ، اقتصاد روستائی ، بهداشت ، زمین شناسی و حفاری بکمک ما خواهند شتافت .

هدف از این شناسائی این است که روشن نمائیم به چه طریق می توان در میمند جهت عمران و ابادی در ان منطقه و توفیق مردم ان سرمایه گذاری نمود .